

انقلاب اسلامی

چهارشنبه ۳۰ اردیبهشت ماه ۱۳۶۰ - ۱۳۰۱ - ۲۰ مه ۱۹۸۱ - شماره ۵۴۳
سال دوم - ۱۲ صفحه - نکشماره ۱۵ ربال



توسط توپخانه نیروی زمینی:

پاسگاه «الشهدای» عراق زیر آتش شدید قرار گرفت

طی عملیات موفقیت آمیزی در جبهه ۴۵۵۵ عراقی کشته ۷۷ تن زخمی شدند

رئیس جمهور: برای خروج کشور از بن بست کنونی

سالمترین راه بدون بحران این است که همه موافقت بکنند به مردم مراجعه کنیم و بارای عمومی آنچه باید بشود، بشود



کارنامه رئیس جمهور

از آذر ۱۳۵۷

مقدمات بحث آزاد آماده است، گروهها هم آماده اند اما شرایط انجام آن باید به تریبی باشد که واقعاً بحث آزاد باشد

من ایستاده ام و کوتاه هم نمی آیم، اما همه باید تلاش کنند، شما مرا انتخاب نکرده اید تا بجای همه تلاش کنم، همه باید بایستند

«خود مختاری نیست که، چه کسی مرا نیرویی جز نیروی شما نیست، ایستادگی شماست که به ایستادگی من معنا می بخشد»

شنبه ۵ تاجمه ۱۱ اردیبهشت ۶۰

- آنچه از نظر من اصل است اینست که رهبری نمیباید تضعیف بشود
- قرار بر متار که بود و متار که معنایش این بود که آقایان این نوعی را که به مجلس برده اند، نبرند. قسمت دیگر متار که مربوط به این بود که آزادیهای عمومی را به مخاطره نیاندازند
- اصل قضیه این است که مسائل را از مردم پوشیده نذاریم

حذف لایحه «فرمان همایونی»

در این مصاحبه، پیامون مسئله لایحه حذف «فرمان همایونی»، قرارداد تلویزیون، بحرانهای سیاسی عدم هماهنگی در قوه مجریه، امنیت قضائی، جلسه غیر-علنی مجلس، پیشنهادات رئیس جمهور جهت خروج از بحران و نیز پاره های مسائل دیگر، گفتگو شده است

رئیس جمهور در این مصاحبه تأکید نموده است که مسائل نباید از مردم پوشیده باشد و مردم باید از آنچه که میگذرد اطلاع داشته باشند

این مصاحبه در دوشنبه ۱۳۰۱ امروزی و فردا چاپ میشود متن مصاحبه را با هم میخوانیم:

رئیس مجلس در پاسخ درخواست رئیس جمهور مبنی بر دریافت نوار مجلس غیر علنی:

برای خارج کردن اسناد سرق مجلس و حتی در اختیار مقامی و فردی خارج از مجلس قرار دادن آنها مجوزی بدست نیامد

رئیس جمهور: نه تنها اینجانب بلکه همه آحاد ملت ایران باید بدانند مسؤولین چه بر سر اموال و استقلال آنها آورده اند

در صفحه آخر

شرکت دکتر ابوالحسن بنی صدر و صاحب نظران امور اقتصادی در بحث آزاد

پیرامون لایحه بودجه

بسم الله الرحمن الرحیم

با توجه به بیانات آقای بهزاد بنوی منی بر شرکت ایشان در بک منظره راجع به بودجه سال ۶۰ (مندرج در روزنامه جمهوری اسلامی مورخ ۲۲/۲/۶۰ شماره ۵۵۸) و اینکه تأکیدی بر انجام مناظره بود در سازمان صدا و سیما جمهوری اسلامی نداشتند.

همانگی بر آن شد در حضور مردم و با شرکت صاحب نظران، مسائل مربوط به بودجه را به بحث بگذارند. لذا با توجه به اطلاعیه روابط عمومی نخست وزیر و برخلاف آنچه در این اطلاعیه نام جواسازی بر آن گذاشته شد، بار دیگر از صاحب نظران زیر دعوت بعضی نمایندگان جهت آشنائی در جهت بیشتر مردم به مسائل بودجه در بحثی که بدین منظور روز چهارشنبه (تبریز)

به حکم دادستانی انقلاب تهران

مدیرکل کنسولی وزارت خارجه بازداشت شد

سخنگوی وزارت خارجه: آقای فضلی نژاد حکم خود را به ما نشان نداده بودند

تهران - خبرنگار انقلاب اسلامی - بدینال انتشار خبری مبنی بر خروج فتوکپی پاره ای از اسناد وزارت خارجه در شماره دیروز روزنامه جمهوری اسلامی روز گذشته آقای ناطقی مدیرکل کنسولی و عضو کمیته رسیدگی به پاکسازی این وزارتخانه به حکم آقای لاجوردی دادستان انقلاب تهران بازداشت و بزندان اوین منتقل شد.

متعاقب دستگیری ایشان تی چند از کارمندان این وزارتخانه ضمن تماس با روزنامه انقلاب اسلامی اظهار نمودند که ساعت ۹/۵ صبح دیروز عده ای پانصد نفر دفتر آقای ناطقی مراجعه کرده و به ایشان گفتند آقای رجائی در وزارت خارجه وی را احضار نموده است. منصرفی معاون آقای رجائی در وزارت خارجه و به احضار ناطقی است. از اتاق معلوم میشود که آنها قصد دارند او را برای بازداشت ایشان حاضر کرده اند. بیرون آقای ناطقی ضمن اعتراض به این عمل از رفتن با آنها خودداری مینماید، که این امر موجب میشود تا مأموران او را با زور کتان از ساختمان بیرون ببرند.

بعده رفقار مأموران با آقای ناطقی که از مقامات عالیتریه وزارت امور خارجه است موجب اعتراض شدید دیگر کارمندان بالاخص یکی از خاتمه های کارمند آن وزارتخانه گردید.

طی تماسی که در این باره با آقای علیسوی طباطبائی سخنگوی جدید وزارت خارجه داشتیم ایشان در پاسخ این سؤال که انگیزه بازداشت آقای ناطقی چه بوده، گفتند: آقای

جلسه علنی امروزه مجلس: کلیات لایحه (حذف فرمان همایونی) به تصویب رسید

در جلسه علنی امروز مجلس شورای اسلامی، رای گیری شرکت کردند که ۱۲۵ نفر رای مخالف و ۳۳ نفر رای موافق دادند. ۱۴ تن رای ممتنع دادند. از بحثان چند تن از نمایندگان در مخالفت و لایحه «حذف فرمان همایونی» تصویب رسید و مجلس برای بحث در جزئیات آن، بمدت ۱۵ نوبت رسد. از مجموع دقیقه بعنوان تنفس ۱۸۲ نماینده حاضر در

رجائی نخست وزیر: هدف من از پیشنهاد این لایحه (حذف فرمان همایونی) دقیقاً همانست که با مدیرکل بانک مرکزی هماهنگی ندارم، با مسؤل هلال احمر هماهنگی ندارم

در صفحه ۲

مذاکرات داوران ایرانی و آمریکائی در لاهه ادامه دارد

وی افزود: مأمورین یک مقام سفارت آمریکا دعای کمتر از ۲۵۰ هزار دلار را بررسی میکنند روز سه شنبه ملاقات کردند خود در مورد انتخاب و آمریکا و محمد کریم یک دعوی داور برای ایران. نماینده ایران مسائل اجرائی را مورد بررسی قرار دادند. گفتند مقامات کاخ صلح لاهه از جمله مسائلی که هنوز باید حل و فصل شود ترکیب دادگاه، قوانین اجرائی و کنایش حساب یک میلیارد دلاری ایرانی است که باید از آن دعوی مورد بحث برداشت شود در همین حال مقامات آمریکائی در لاهه گفتند خبر مربوط به انتخاب الجواب مأمورین سومین هیئت داور در چدروز آینده معرفی شود.

وی گفت: با وجودیکه جریان انتخاب سومین گروه عضو هیئت داوران انجام دادند. اما هیئتی برای داوران ایرانی و آمریکا (سه تن) ملاقات داشتند و کار خود را بطور جداگانه در کاخ ظلم لاهه ادامه دادند. در این حال به نظر رسید که اعطای سومین هیئت داور در چدروز آینده معرفی شود.



در جلسه دایره و زنجیر ریاست جمهوری برای ارسال نوارهای جلسه سری ۲۲ اردیبهشت مورد بررسی قرار گرفت
رئیس مجلس

رئیس جمهور اردانند که اصولا چرا چیزی که وزیر مشاور در امور گروگانها گفته اند مردم ندانند

محمد مجتهد شبستری

درست بهمان دلیل که شما نمایندگان محترم تجلیل کردید که یک وزیر بیاید یک سلسله مسائل سری را با شما در میان بگذارد درست بهمان دلیل رئیس قوه مجریه میتواند از همان مطالب باخبر شود

جلسه علنی مجلس شورای اسلامی ساعت ۳/۳۰ دیروز با تلاوت آیتی چند از کلام الله مجید و بریاست آقای هاشمی رفسنجانی تشکیل شد در این جلسه پس از نطقهای قبل از دستور

بندهای ۱ و ۲ و آن شد وی گفت که ما باید مجری قانون اساسی در جامعه باشیم و اصل ۴۴ اجرا شود تا ثروت در دست عدهای متمرکز نشود و از ناکثر آن در دست عدهای جلوگیری بشود اصول مربوط به مالکیت و حدود مالکیت اسلامی اجرا شود. وی در ادامه نطقش گفت که لایحه که تاکنون رسیده مدتها وقت مجلس را گرفته و بدون کارائی لازم و تغییر بنیادی که مورد نظر قانون اساسی و اسلام است و باید انجام گرفته باشد، ما با مادههای واحده وقت خود را گرفتیم. ما باید نظام اسلامی را پیاده کنیم. وقت کم است و کار بسیار باید بنیادی عمل کرد. با اجرای اصل ۴۹ قانون اساسی ترتیباتی غصب شده را از افراد بگیریم و حدود مالکیت را تعیین کنیم وی در پایان گفت که آقای منتظری یادداشتی فرستاده اند که را دیو بی بی سی متن مصاحبه آقای رئیس جمهور را روزنامه لومنت را پخش می کند و آقای رئیس جمهور در مصاحبه می گویند در ایران برای قانون شکنجه وجود دارد چرا ایشان در مورد بیماریان زندان دولتی مصاحبه نمی کنند و کوچکترین واکنشی نشان نمی دهند.

حسینی نماینده مرودشت:

انزیری جوانان برای ساختن مملکتی مستقل
و آزاد نباید غافل بود، مملکتی که رد پای
رئیس جمهورش را در میدان جنگ می بینیم

سومین نطق قبل از دستور آقای حسینی نماینده مردم مرودشت بود که اظهار داشت: بسم الله الرحمن الرحیم سلام بر برادران و خواهران گرامی میلاد با سعادت سرور آزادگان مولای متقیان علی علیه السلام را به فرزند شایسته اش امام امت و به ملت قهرمان ایران تبریک عرض نموده و از خدای بزرگ می خواهم که پیرو راستین آن امام باشیم. به خاطر ضیق وقت از بیان جمله صرف نظر می شود انقلاب شکوهمند اسلامی ما ۲ مرحله از ۴ مرحله که لازمه به ثمر رسیدن هر انقلاب است پشت سر گذاشته، آن دو مرحله کاهلی ملت و سرکوبی رژیم طاغوت است.

ملت ایران از دیرباز حیانتها و جنایتهای خاندان پهلوی را آگاهی داشته ولی این آگاهی در حالی نبود که آنان را برای یک مبارزه همه جانبه آماده سازد. این آگاهی که به حکم وظیفه ای که داشتی رسالت آگاه کردن مردم را به عهده گرفت و با ندائی که از جان برمیخاست حرکتی نو در میان مسلمانان پدیدار کرد و اولین نتیجه حرکت حادثه ۱۵ خرداد بود، رژیم کفاز آگاه شدن مردم سخت و وحشت زده شده بود امام را از ملت جدا کرد ولی روحانیون متعهد و روشنفکران مسلمان راه امام را ادامه دادند و با خطابهها و نوشتههای خود مردم را برای یک مبارزه همه جانبه آماده ساختند. در این جا لازم است از ۲ معلم بزرگ استاد شهید مطهری و دکتر علی شریعتی یاد کنیم خدمات ارزنده آنان را در این راه ارج نهیم.

اما مرحله واژگونی گره ملت ایران از سالها پیش تصمیم به واژگونی رژیم شاهنشاهی گرفته بودند ولی این مرحله از انقلاب در سال ۵۶ به اوج خود رسید و مردم پایم های حکومت طاغوت را دست نموده و سرانجام در ۲۲ بهمن ۵۷ رژیم استبداد و ابراجتی سرنگون کردند اما ۲ مرحله دیگر که پس از واژگونی باید صحیح انجام گیرد تا انقلاب بنتر برسد، مرحله پاکسازی و بازسازی است.

هر مسلمان انقلابی بر این عقیده است که وابستگی به رژیم طاغوت و خائنین به جان و مال مردم نباید در حکومت اسلامی جایی داشته باشد ولی شناخت اینگونه موارد را قانون و افراد صالح و بی عرض باید تعیین و اجرا نمایند.

همانطور که سواست بخرج میدهم تا از نغاله های وابسته رژیم طاغوت کسی در حکومت اسلامی راه پیدا نکند، بهمان اندازه باید سواست داشته باشیم که در حکومت اسلامی حقی ضایع نگردد و آبروی بی گناهی ریخته نشود، و اگر خدای ناکرده در این کار سهل انگاری شود زینت برای اسلام کمتر از شق اول نخواهد بود.

اما مرحله چهارم بازسازی است میدانیم که سیاستهای خائنه رژیم پهلوی مملکت ما را در زمینه های اقتصادی، فرهنگی و نظامی و سیاسی بر روی ستونهای پوسیده وابستگی قرار داده بود و این وابستگی به حدی است که جدا شدن از آن به سادگی میسر نیست بلکه ایثار و آزاد خودگذشتگی می خواهد که دولت و ملت باید یکدل و یک زبان دست به دست یکدیگر دهند و از نو جامعه خود را بسازند، و در این راه باید دولت و ملت به یکدیگر اعتماد بیشتری نشان دهند و این اعتماد طرفین از شعار خارج شده و به عمل بیبوندند دولت باید مردم را در کلیه جزئیات مملکت، قرار دهند تا مردم خود را در بازسازی جامعه خوش سهم بدانند و در حل مشکلات او را یاری دهند. از نیروی مملکت برای ساختن مملکتی مستقل و آزاد نباید غافل بود، مملکتی که رد پای رئیس جمهورش در میدان جنگ میابیم و از هیات دولت باید در شهرهای دور افتاده کشورمان سرغ بگیریم، تحصیل کردگان ما باید بدانند که در این پشت میز نشینی سیری شده و باید به کار تولیدی پرداخت، دولت باید با ایجاد مراکز تولیدی و سرمایه گذاریهای صحیح جوانان را به کار و تولید تشویق نماید تا اولاد از بیکاری که خطر بزرگی برای انقلاب ما است جلوگیری شود و ثانیاً مملکت را از وابستگی های اقتصادی و سایر وابستگیها که ناشی از وابستگی اقتصادی است نجات دهد به امید جبین روزی.

انتخابات رئیس مجلس

پس از نطقهای قبل از دستور رئیس مجلس در خصوص نامه رئیس جمهور به مجلس برای در اختیار

مجازات افشاء اسرار

رئیس: پس آقای شبستری در اینکه اسناد را به بیرون بفرستیم تردید و آقای یزدی مخالفت دارند. من این ماده را بخوانم چون مفید هم هست مسئولان دیگر هر جا می شوند بطور کلی، مخصوصاً در مورد اسناد سری اخیراً مسامحههایی دیده می شود، این قانون در سال ۵۲ تصویب شده ماده ۲ آن چنین است.

«هریک از کارکنان سازمانهای مذکور در ماده ۱ که حسب وظیفه مأمور حفظ اسناد سری و محرمانه دولتی بوده یا حسب وظیفه اسناد مزبور در اختیار او بوده و آنها را انتشار داده یا افشاء نماید خارج از حدود وظایف اداری در اختیار دیگران قرار بدهد یا بپرنجی دیگران را از مفاد آن مطلع سازد، در مورد اسناد سری به حبس جانی درجه ۲ از ۲ تا ده سال ودر مورد اسناد محرمانه به حبس جنحه ای از سه ماه تا ۳ سال محکوم میشود همین مجازات به حسب مورد فرستاد در باره کسانی که این اسناد را به علم و اطلاع از سری یا محرمانه بودن آن جاب یا منتشر نموده و یا مویجات چاپ و انتشار آن را فراهم نمایند در صورتیکه افشاء مفاد اسناد مذکور در اثر عدم رعایت نظامات یادر اثر غفلت و مسامحه مأمور حفاظت آنها صورت گرفته باشد، مجازات او سزاهای شش ماه حبس جنحه ای خواهد بود»

و ماده ۳ آن چنین است «هریک از کارکنان سازمانهای مذکور در ماده ۱ یا اشخاص دیگر اطلاعات یا مذاکرات یا تصمیمات سری و محرمانه دولتی را به نحوی از انحاء به کسی که صلاحیت اطلاع در آن را ندارد بدهد یا مویجات افشاء یا انتشار آن را فراهم نماید عمل مرتکب در حکم افشاء یا انتشار اسناد سری و یا محرمانه دولتی محسوب میشود»

رئیس: این قانون هماده دارد و آئین نامه آن را هیئت وزیران نوشته اند آنچه که من می توانم به آن استاد کنم این است که اطلاع از کسی که صلاحیت اطلاع دارد ظاهر است. در این قانون واژگونی نام مجوزی دارد و خواهش میکنم الان بحث نشود چون در آخر جلسه ای در خلال آن آقایان باهم صحبتی میکنند بعد از نزدیک پایان جلسه تصمیم جلسه را می گیریم که یا رئیس جمهور در داخل مجلس این سند را می بینند و یا اگر مجلس اجازه داد در اختیار ایشان می گذاریم.

غضنفریور: آقای رئیس نامه رئیس جمهور را بخوانید رئیس: متن نامه را لابد در روزنامه دیدید. و ایشان نوشته اند وقتی که نوار را دیدم اگر ضرورتی داشت می آمم مجلس صحبت مسکوت گذاشتن در آن نامه نکرده اند، نامه هم که پخش شده است.

۴۹ قانون اساسی

طرح مربوط به اجرای اصل ۴۹ قانون اساسی بعد از آن طرح الزام دولت جهت تهیه لایحه پیاده کردن اصل ۴۹ قانون اساسی مطرح شد و یک فوریت طرح تصویب گردید و به کمیسیون مربوطه ارجاع گردید. متن لایحه چنین است:

ریاست محترم مجلس شورای اسلامی از آنجایی که دولت های جمهوری اسلامی از بدو تاسیس تاکنون اقدام همه جانبه ای در اجرای اصل ۴۹ و تهیه لایحه پیاده کردن اصل ۴۹ قانون اساسی نکرده اند و در نتیجه مقدار زیادی از بیت المال مسلمین در اختیار افراد غاصب و بی صلاحیت مانده است و تعلل بیشتر در این مورد باطلع مخالفت با قانون اساسی و اهداف اساسی انقلاب اسلامی ایران است لذا با قید یک فوریت ماده واحده زیر پیشنهاد می شود.

دولت جمهوری اسلامی ایران موظف است پس از تصویب این ماده قانونی جهت سه ماه لایحه قانونی را جهت پیاده کردن اصل ۴۹ قانون اساسی تدوین و برای تصویب نهایی به مجلس شورای اسلامی ارائه نماید.

طرح تعویض اراضی سیاهدشتک در جلسه دیروز همچنین طرح قانونی در مورد تعویض اراضی سیاهدشتک با قید یک فوریت مطرح و پس از سخنان موافق و مخالف، فوریت آن تصویب و به کمیسیون مربوطه ارجاع گردید. متن لایحه بدین شرح است:

طرح قانونی در مورد تعویض اراضی سیاهدشتک مصوب شورای انقلاب به اراضی دیگر

چون طبق مصوبه شورای انقلاب مورخ ۵۸/۷/۱۲ مقرر گردید بمالکین اراضی مورد تصرف کارخانه سیمان ری از اراضی سیاهدشتک بعنوان عوض واگذار شود و اراضی مذکور خارج از محدوده خدماتی شهر تهران بوده و عمران آن مقایر با سیاست عدم گسترش و توسعه بیرونی تهران میباشد و در صورت ایجاد مجموعه های مسکونی در این منطقه شهرداری تهران قادر بتأمین خدمات شهری در غرب میل کن نخواهد بود، و از آنجا که این مسئله اکنون برای شهرداری تهران و نیز جمعیت زیادی از مردم تهران مسئله ای حاد شده و سرعت مشکلاتی ایجاد خواهد نمود لذا ماده واحده زیر با قید یک فوریت تقدیم مجلس شورای اسلامی میگردد:

ماده واحده: بموجب این قانون وزارت مسکن و شهرسازی موظف است بجای اراضی سیاهدشتک موضوع مصوب شورای انقلاب اسلامی مورخ ۵۸/۷/۱۲ طبق ضوابط شهرسازی مصوب از اراضی تحت اختیار دولت در محدوده خدماتی شهرداری تهران مالکین اراضی مورد تصرف کارخانه سیمان ری واگذار نماید. تمبره: زمینهای معوض واگذاری موضوع این ماده واحده از شمول ضوابط تفکیک معاف و بابت تفاوت ارزش معوض وجهی از انتقال گیرندگان دریافت نخواهد شد.

مجاز به شورای عالی قضائی

وقایع انقلاب

قرارداد به سمک «پیروزی بزرگ»

یکی از برادران ضمن ارسال نامه ای برای وقایع نگار ستولاتی را در زمینه انعقاد قرارداد پرافتخار! با شرکت انگلیسی تالبوت که معلوم نیست اگر «انقلاب اسلامی» خبر آنرا منتشر نکرده بود الان درجه وضع بود - برای وقایع نگار فرستاده و تقاضای چاپ آنرا برای شنیدن پاسخ از مسئولان متعهد مربوطه نموده است، از آنجا که ممکن است با بستن این قرارداد که کم از بعضی قراردادهای تاریخی!! ندارد منت دیگری به سبک کسب «پیروزی بزرگ» بر دوش این ملت پشت خنده زبیر مشکلات اجتماعی سیاسی-اقتصادی و فرهنگی گذاشته شود که اصلاً صحیح نیست وقایع نگار این سؤالات را محض اطلاع (چون روشن ساختن گمبه سؤالات روزنامه انقلاب اسلامی نباید!! جواب داد) مسئولان متعهد مربوطه چاپ میکنند:

۱- آیا اصل تمام تشکیلات ورشکسته تالبوت و کرابلر یک میلیارد پوند ارزش دارد که ما بخشی از محصولات پنج ساله را می خواهیم به این قیمت خریداری نمائیم؟
۲- آیا نباید معاملات عمده دولتی از طریق مناقصه بین المللی انجام گیرد؟ لابد این طریق هم دیگر طاغوتی شده است!
۳- آیا در دنیا کشورهایی پیدا نمیشود که حاضر بفروش کارخانه مولد قطعات موتور باشد و حاضر باشد که آنرا بیاقتضای مشتری بفرستد؟
۴- آیا ما باید اعداهای رنکارنگ در حمایت از مستضعفین و فلان و بهمان داریم نباید در خطی عمل کنیم که وسایل نقلیه عمومی توسعه پیدا کند و در همین خط بهتر نسبت بجای اتومبیل سوی انویوس تولید کنیم؟
۵- و بالاخره اینکه آیا این خبر درست است که میگویند «خیابان» دلال این معامله است؟
ع و بالاخره اینکه آیا امیرالایسم محتضر انگلیس قوی تر از روزهایی شد است که آفتاب در مستعمرات غروب نمیکرد یا ما ضعیف تر از دوران سوسارالدوله شده ایم!؟

است:

ریاست مجلس شورای اسلامی
بسمه تعالی
نظر به اینکه لایحه توقفاجرای احکام دادگاههای صالحه... گذشته از مزایا و مناصحی که دارا بود در برخی از زوایای اجتماع سبب سوء استفاده مالکان فرصت طلب گردیده و بدون توجه به اصول اخلاقی و انسانی باعث آزار مستجران شده اند و نظریه اینکه بحکم آیه «منظروالی میسره اجرای احکام پرداخت دیون و رد حقوق باید متناسب با امکانات محکوم علیه باشد و نباید به جبر و عنف و بصورت ابراد ضرر و ضرار تحصیل شود، ماده واحده زیر برای حفظ حقوق مستجران مستضعف و اجرای اصول اسلامی تهیه و امضا و تصویب آنرا با قید دو فوریت از مجلس تقاضا داریم.

ماده واحده: به شوریای عالی قضائی اجازه داده می شود که اجرای احکام تخلیه ای را که از طرف مالکان مستغلات بیش از دو واحد تقاضا و پیش از تصویب این قانون صادر شده و یا تقاضای مستجرین محکوم علیهم حاضر به تجدید اجاره یا مهلتی مناسب برای تخلیه نمی باشند یا تشخیص خود یا شعبه خاصی در دادگستری متوقف نمایند و رأساً برای مستجرین اجازه نامه تنظیم یا مهلتی مناسب برای تخلیه و اجرای حکم تعیین کنند این مهلت کمتر از دو ماه و بیشتر از شش ماه نخواهد بود.

تمبره - رسیدگی بدعای موضوع این ماده خارج از نوبت و بدون رعایت تشریفات خواهد بود؛ و به کمیسیون مربوطه فرستاده شد.

تشکیل جلسه غیر علنی

بنابه گزارش خبرنگار پارلمانی ما در ساعت ۹/۴۰ ریاست مجلس بمدت یک ربع اعلام تنفس نمود، لیکن تعطیلی جلسه تا ساعت ۱۱/۳۰ ادامه داشت و در ساعت ۱۱/۳۰ از طرف هیئت رئیسه جلسه غیر علنی ریاست مجلس اعلام شد. لازم به توضیح است که قرار بود در جلسه دیروز لایحه «لغو فرمان مهابادی» که در جهت تحدید اختیارات ریاست جمهوری است دنبال بشود.

خواستار بیان دلائل بر کناری

روای دادگاههای عمومی و صلح و... و انتصابات جدید در دادگستری شدند

رئیس جدید دادگاههای عمومی بعلت وابستگی به رژیم سابق پس از انقلاب تصفیه شده بود. ریاست محترم مجلس شورای اسلامی خواهشمند است به آقای محمدعلی رجائی نخست وزیر اعلام دارند تا برای پاسخ سبستوال زیر در مجلس حضور بهم رسانند.

سوال: طبق نص صریح اصل ۱۶۴ قانون اساسی ست با محل خدمت قاضی را بدون رضای او نمیتوان تغییر داد و این امر الزوالم استقلال قوه قضائیه است شوریای عالی قضائی بدون ذکر علت و در صفحه ۱۱

گرمایدها خطر ه دگتر شایگان

استادان دانکنده حقوق وعلوم سیاسی - دانشکاه تهران فوت مرحوم دکتر سیدعلی - شایگان استاد دانشمند پیشین این دانکنده را به عموم مردم میارز ایران و دانشگاهیان و بویژه جامعه حقوق

تسکر و قدردانی بدینریشه ازگیه رشکان و کارکنان درانگاه منظره که فغانه در نجات جان بیچاره تشکر منیام غلامحسین ابرچی

اظهارات نمایندگان

پس از سخنان ریاست مجلس چندتن از نمایندگان تذکراتی در این خصوص دادند. محمد یزدی در این مورد اظهار داشت «مسئله اطلاع به مقام از طلب سری مجلس یک مسئله است، مسئله خروج اسناد سری از مجلس مسئله دوم است، این جمله ای که جناب عالی به آن استدلال فرمودید که برای کسانی که ضرورت ندارد نباید استیفاء است. در اختیارشان گذاشت. مفهومی این میشود که اگر ضرورت برای اطلاع باشد ایشان می توانند مطلع بشوند به اینکه شخصاً» شریف باورند و بشنوند و ببینند ولی خروج سند به هیچوجه مجوز ندارد، چون فلسفه اصلی تشکیل یک جلسه سری از بین می رود، بله، فلسفه تشکیل یک جلسه سری را روی این مسئله بالخصوص باید بررسی کرد که آیا این موضوعی است که امام در بنیانه ده ماده ای فرموده اند و آن موضوع هنوز هست یا نیست. اگر آن موضوع هست، طبیعی است که نمی شود در جامعه مطرح کرد و اگر آن موضوع برداشته نشود میشود جامعه مطرح کرد. و بنظر من چون هنوز آن موضوع هست به هیچوجه سند از مجلس نمی شود خارج شود ولی اطلاع برای ایشان امکان دارد که شخصاً ببینند مطالعه بفرمایند.

آنگاه محمد مجتهد شبستری در این مورد اظهار داشت «توضیحی که من می خواهم خدمت نمایندگان محترم عرض بکنم این است که درست به همان دلیل که یک وزیر می تواند تقاضا بکند که در جلسه سری مجلس شرکت بکند و مسائلی را مطرح بکند درست به همان دلیل سایر اعضا قوه مجریه که یادر حد وزیر باشند و یا رئیس جمهور که رئیس قوه مجریه است درست با همان دلیل می تواند از مطالبی که در آن جلسه مطرح شده با خبر شود برای اینکه هیئت وزیران مسئولیت مشترک دارند، همانطوریکه هیچ وزیری نمی تواند ادعا بکند که من می خواهم مطالبی را با مجلس در میان بگذارم که مثلاً» آقای نخست وزیر نداند، این ادعا را هیچ وزیری نمی تواند بکند، زیرا مسئولیت هیئت وزیران در برابر مجلس یک مسئولیت مشترک است اگر ترسار است از یک سلسله مسائل محفی مطلع بشوند همه هیئت وزیران می توانند مطلع بشوند، اگر قرار است نتوانند مطلع بشوند نمی توانند مطلع بشوند، درست بر همان بنا چون قوه مجریه یک واحد در قانون اساسی است و آقای رئیس جمهور رئیس قوه مجریه است تفکیک اینکه بخشی از قوه مجریه می تواند از سری باخبر باشد. بخش دیگری از قوه مجریه که حتی ریاست قوه مجریه است می تواند باخبر باشد، سندی این را هیچوجه خواهد گفت با روح قانون اساسی نمی دانم. بنابراین بنظر من اینطور می رسد که درست به همان دلیل که سلسله مسائل محترم تحلیل کردید یک وزیری نباید یک سلسله مسائل سری را با سخا مطرح بکند درست با همان دلیل رئیس قوه مجریه می تواند از همان مطالب باخبر شود. اما اینکه آیا اسناد به بیرون فرستاده شود یا نه این یک مسئله دیگر است.

همچنین طرح دیگری با قید دو فوریت در خصوص اجازه به شورای عالی قضائی برای تجدید اجاره مستاجرین را تعیین هیئت مناسبی برای تخلیه مطرح گردید و پس از سخنان نمایندگان موافق و مخالف رای گیری بعمل آمد لیکن دو فوریت آن تصویب شد و به کمیسیون مربوطه ارجاع گردید. متن لایحه بدین شرح

کدکسکاه ماشین تحریر
نارنی آی بی ام کامپیور
خریداریم. تلفن ۸۳۰۲۶۴

تعمیرات
تعمیرات
تعمیرات



نیروی هسته‌ای آمریکا... بدون اورانیوم آفریقا...!



جیمی کارتر رئیس جمهور سابق ایالات متحده در یکی از نطق‌های تلویزیونی انتخاباتی خود اعلام کرده بود: "آمریکا موافق است زیمبابوئه به استقلال برسد و بصورت یک کشور مستقل در عرصه جهانی بشمار آید و دولت ایالات متحده از رئیس جمهور زیمبابوئه "رابرت موگابه" حمایت و پشتیبانی می‌کند و این از وظایف ایالات متحده است که از کشورهای استقلال طلب آفریقائی حمایت نماید".

پس از مدتی یکی از مقامات سیاسی آفریقائی از دوست خود (که در یکی از کشورهای غربی متحد آمریکا مشغول به فعالیت‌های سیاسی است) می‌پرسد: "مگر ایالات متحده در قاره آفریقا پایگاهی دارد که جیمی کارتر سعی دارد از جنبه تبلیغاتی آن استفاده کند و رای بیشتری بدست آورد؟" دوست غربی چنین پاسخ می‌دهد: "اصلاً، اصلاً، اما مسئله مهم اینست که در آفریقا

فرستاده ویژه ریگان برای سومین بار وارد دمشق شد

در حالیکه فیلیپ حبیب فرستاده ویژه ریگان برای ادامه مذكرات خود با رهبران سوریه برای سومین بار وارد دمشق شده است. در دمشق شده است. فیلیپ حبیب فرستاده ویژه ریگان برای سومین بار وارد دمشق شده است. فیلیپ حبیب فرستاده ویژه ریگان برای سومین بار وارد دمشق شده است.

تکلیف یک گروه چریکی در آمریکا لاین کارگری و سازمانهای انقلابی و مترقی کشور

مکزیکوسیتی خبرگزاری فرانسه به هوکا سیدافورا وزیر بهداشت سابق پاناما در روز در مکزیکو اعلام کرد، گروهی بنام بریکاد بولیوار ایجاد شده است. این مبارزات میهنخوازانه از مبارزات میهنخوازانه لاین انقلابی آمریکا لاین تشکیل شده است. در تظاهرات سالوادور به خاطر داخله روزافزون آمریکا حمایت از شورای آمریکای لاتین خواست از طریق سندیکاهاست.

آغاز کارهای اساسی

مهم‌ترین منابع موقتی در امان تاریخ سفر شاه حسین اخبار مبنی بر توفیق سفر شاه حسین پادشاه اردن به اردن اعلام کرده اند.

در همین حال تان...

خبرگزاری رسمی شوری سفر فرستاده آمریکا به سوریه را "تحت عنوان پوشش برای تقصیر ادامه حملات هوایی رژیم اشغالگر قدس به لبنان به منظور نابودی نهضت مقاومت فلسطین مورد انتقاد قرار داد. بنوشته تاس دولت ریگان بیش از دولت پیشین آمریکا از طرح‌های توسط طلبانه رژیم صهیونیستی حمایت می‌کند و در حالیکه نماینده آن کشور به خاور میانه سفر کرده است کشتی‌های جنگی آمریکا در سواحل لبنان ترسرس یافته اند. در همین حال

به تهران و بغداد را اثر بخش توصیف کرد

خارجه زامبیا، هند، کوبا و رئیس بخش سیاسی سازمان آزادیبخش فلسطین در چارچوب اقدامات صلح آمیز جنبش پاپان دادن به جنگ عراق علیه ایران در اسرع وقت ابراز داشته اند. لاکوما، ناراسیمها، و رئیس دفتر سیاسی سازمان آزادیبخش فلسطین و فاروق قدومی وزیر

نیاز مهم، آمریکا را وادار کرد که بسوی آفریقا برود

نیاز مهم، آمریکا را وادار کرد که بسوی آفریقا برود. نیاز مهم، آمریکا را وادار کرد که بسوی آفریقا برود. نیاز مهم، آمریکا را وادار کرد که بسوی آفریقا برود.

بندبالی تعهد کویت

بندبالی تعهد کویت. بندبالی تعهد کویت. بندبالی تعهد کویت. بندبالی تعهد کویت.

کشته‌های پانامائی توقیف شده توسط ایران آزاد شد

کشته‌های پانامائی توقیف شده توسط ایران آزاد شد. کشته‌های پانامائی توقیف شده توسط ایران آزاد شد. کشته‌های پانامائی توقیف شده توسط ایران آزاد شد.

دستگیری و محاکمه طرفداران آلبانی در یوگسلاوی

دستگیری و محاکمه طرفداران آلبانی در یوگسلاوی. دستگیری و محاکمه طرفداران آلبانی در یوگسلاوی. دستگیری و محاکمه طرفداران آلبانی در یوگسلاوی.

کمیته پانامائی توقیف شده توسط ایران آزاد شد

کمیته پانامائی توقیف شده توسط ایران آزاد شد. کمیته پانامائی توقیف شده توسط ایران آزاد شد. کمیته پانامائی توقیف شده توسط ایران آزاد شد.

هیئت منتخب کنفرانس غیرمتهمان تاجیک سفر خود به تهران و بغداد را اثر بخش توصیف کرد

هیئت منتخب کنفرانس غیرمتهمان تاجیک سفر خود به تهران و بغداد را اثر بخش توصیف کرد. هیئت منتخب کنفرانس غیرمتهمان تاجیک سفر خود به تهران و بغداد را اثر بخش توصیف کرد.

۲۵۰ تن از اساتید دانشگاهی آمریکا خواستار قطع کمک این کشور به السالوادور شدند

۲۵۰ تن از اساتید دانشگاهی آمریکا خواستار قطع کمک این کشور به السالوادور شدند. ۲۵۰ تن از اساتید دانشگاهی آمریکا خواستار قطع کمک این کشور به السالوادور شدند.

بندبالی تعهد کویت

بندبالی تعهد کویت. بندبالی تعهد کویت. بندبالی تعهد کویت. بندبالی تعهد کویت.

کمیته پانامائی توقیف شده توسط ایران آزاد شد

کمیته پانامائی توقیف شده توسط ایران آزاد شد. کمیته پانامائی توقیف شده توسط ایران آزاد شد. کمیته پانامائی توقیف شده توسط ایران آزاد شد.

دستگیری و محاکمه طرفداران آلبانی در یوگسلاوی

دستگیری و محاکمه طرفداران آلبانی در یوگسلاوی. دستگیری و محاکمه طرفداران آلبانی در یوگسلاوی. دستگیری و محاکمه طرفداران آلبانی در یوگسلاوی.

کمیته پانامائی توقیف شده توسط ایران آزاد شد

کمیته پانامائی توقیف شده توسط ایران آزاد شد. کمیته پانامائی توقیف شده توسط ایران آزاد شد. کمیته پانامائی توقیف شده توسط ایران آزاد شد.

دستگیری و محاکمه طرفداران آلبانی در یوگسلاوی

دستگیری و محاکمه طرفداران آلبانی در یوگسلاوی. دستگیری و محاکمه طرفداران آلبانی در یوگسلاوی. دستگیری و محاکمه طرفداران آلبانی در یوگسلاوی.

مواد هسته‌ای برای صنایع نظامی

مواد هسته‌ای برای صنایع نظامی. مواد هسته‌ای برای صنایع نظامی. مواد هسته‌ای برای صنایع نظامی.

رو به کاهش نهادن برای صنایع نظامی

رو به کاهش نهادن برای صنایع نظامی. رو به کاهش نهادن برای صنایع نظامی. رو به کاهش نهادن برای صنایع نظامی.

نیاز مهم، آمریکا را وادار کرد که بسوی آفریقا برود

نیاز مهم، آمریکا را وادار کرد که بسوی آفریقا برود. نیاز مهم، آمریکا را وادار کرد که بسوی آفریقا برود.

بندبالی تعهد کویت

بندبالی تعهد کویت. بندبالی تعهد کویت. بندبالی تعهد کویت. بندبالی تعهد کویت.

کمیته پانامائی توقیف شده توسط ایران آزاد شد

کمیته پانامائی توقیف شده توسط ایران آزاد شد. کمیته پانامائی توقیف شده توسط ایران آزاد شد. کمیته پانامائی توقیف شده توسط ایران آزاد شد.

دستگیری و محاکمه طرفداران آلبانی در یوگسلاوی

دستگیری و محاکمه طرفداران آلبانی در یوگسلاوی. دستگیری و محاکمه طرفداران آلبانی در یوگسلاوی. دستگیری و محاکمه طرفداران آلبانی در یوگسلاوی.

کمیته پانامائی توقیف شده توسط ایران آزاد شد

کمیته پانامائی توقیف شده توسط ایران آزاد شد. کمیته پانامائی توقیف شده توسط ایران آزاد شد. کمیته پانامائی توقیف شده توسط ایران آزاد شد.

دستگیری و محاکمه طرفداران آلبانی در یوگسلاوی

دستگیری و محاکمه طرفداران آلبانی در یوگسلاوی. دستگیری و محاکمه طرفداران آلبانی در یوگسلاوی. دستگیری و محاکمه طرفداران آلبانی در یوگسلاوی.

برنامه نمایش فیلم مخصوص کودکان و نوجوانان

فیلم سینمایی "مینیون" (کارتون) (۸۰ دقیقه)

شروع نمایشها ساعت ۱۲ - ۲۷ - ۲۱ - ۲۱:۳۰ - ۲۱:۴۵

فیلم سینمایی "مینیون" (کارتون) (۸۰ دقیقه)

استخدام

یک شرکت بزرگ تولیدی به یک نفر خانم متنی منبرعامل به شرایط زیر نیازمند است:

- ۱- حداقل ۳ سال سابقه کار مفید
- ۲- آشنائی به زبان انگلیسی
- ۳- تسلط کامل به تایپ فارسی و لاتین.

و همچنین شرایط با شماره تلفن ۳۱۹۴۲۲ خانم مشیری تماس بگیرید

آگهی

یک شرکت تولیدی بزرگ برای سمت مدیریت عامل بیک نفر با شرایط زیر نیاز دارد:

- ۱- حداقل تحصیلات لیسانس و ترجیحاً در زمینه مهندسی نساجی یا شیمیائی.
- ۲- حداقل ۵ سال تجربه در سمت مدیریت عامل واحدهای تولیدی.
- ۳- تسلط کامل بر زبان انگلیسی

داوطلبان واجد شرایط می‌توانند تقاضاهای خود را به ضمیمه خلاصه‌ای از شرح حال، میزان تحصیلات و سوابق تجربی و شغلی به نشانی صندوق پستی شماره ۳۴۵۸ تهران ارسال دارند. ضمناً کلیه اطلاعات و مدارک واصله محرمانه تلقی خواهد شد.

آگهی استخدام

یک شرکت تعاونی صنایع کبابی و آش حلیم تهران به نام "کبابی و آش حلیم" جهت مدیریت عامل به یک نفر با شرایط زیر نیاز دارد:

- ۱- حداقل تحصیلات لیسانس و ترجیحاً در زمینه مهندسی نساجی یا شیمیائی.
- ۲- حداقل ۵ سال تجربه در سمت مدیریت عامل واحدهای تولیدی.
- ۳- تسلط کامل بر زبان انگلیسی

داوطلبان واجد شرایط می‌توانند تقاضاهای خود را به ضمیمه خلاصه‌ای از شرح حال، میزان تحصیلات و سوابق تجربی و شغلی به نشانی صندوق پستی شماره ۳۴۵۸ تهران ارسال دارند. ضمناً کلیه اطلاعات و مدارک واصله محرمانه تلقی خواهد شد.

آگهی استخدام

یک شرکت تولیدی بزرگ برای سمت مدیریت عامل به یک نفر با شرایط زیر نیاز دارد:

- ۱- حداقل تحصیلات لیسانس و ترجیحاً در زمینه مهندسی نساجی یا شیمیائی.
- ۲- حداقل ۵ سال تجربه در سمت مدیریت عامل واحدهای تولیدی.
- ۳- تسلط کامل بر زبان انگلیسی

داوطلبان واجد شرایط می‌توانند تقاضاهای خود را به ضمیمه خلاصه‌ای از شرح حال، میزان تحصیلات و سوابق تجربی و شغلی به نشانی صندوق پستی شماره ۳۴۵۸ تهران ارسال دارند. ضمناً کلیه اطلاعات و مدارک واصله محرمانه تلقی خواهد شد.

نیازمندی‌ها

انتخاب اسلامی

آگهی‌های یکسونی نیازمندیها مخصوص تهران و حومه و دوستونی نیازمندیها برای تهران و شهرستانها پذیرفته میشود ۳۱۵۵۳۰-۳۱۱۰۸۶

فروش لوازم دکتری

تبدیل فیلم ۸ خانوادگی به ویدئو کارتونی دنیای کودک (کلاک) تلفن ۲۹۰۲۲۰-۲۹۸۸۵۰

ویدئو تاپ ۷۰۰

بتامکس روی اج اس اجاره فیلمهای مجاز بدون حق عضویت تحویل در منزل انشت تلفن ۷۵۵۸۹۴

ویدئو آپادانا

افتتاح شد وی اج اس بتامکس با بهترین فیلمها و تصویر عالی بدون حق عضویت با سرویس مجانی ۸۵۵۴۳۵

ویدئو توکی

کرایه نوار با سرویس ۲۲۱۳۷۱

ویدئو روز

بدون حق عضویت عرضه کننده جدیدترین فیلمها تحویل در منزل در کلیه نقاط شهر تلفن ۲۲۸۰۶

تی ویو

فیلبرداری از مجالس به طریقه ویدئو و ۸ میلیتری، تبدیل فیلمهای ۸ میلیتری به نوار ویدئو و تزئین اطاق عقد ۸۲۱۵۶۱

ویدئو شبنم

اجاره و فروش فیلمهای مجاز سینمایی با کیفیت عالی تحویل در منزل ۶۴۴۱۸۱ ۶۴۴۱۸۲ ۶۴۴۱۸۳ ۶۴۴۱۸۴ ۶۴۴۱۸۵ ۶۴۴۱۸۶ ۶۴۴۱۸۷ ۶۴۴۱۸۸ ۶۴۴۱۸۹ ۶۴۴۱۹۰ ۶۴۴۱۹۱ ۶۴۴۱۹۲ ۶۴۴۱۹۳ ۶۴۴۱۹۴ ۶۴۴۱۹۵ ۶۴۴۱۹۶ ۶۴۴۱۹۷ ۶۴۴۱۹۸ ۶۴۴۱۹۹ ۶۴۴۲۰۰

ویدئو جمیل

اجاره انواع فیلمهای مجاز ویدئو و خرید و فروش ویدئو و فیلبرداری از مجالس بطریقه ویدئو و تبدیل سوبر ۸ روی نوار ویدئو و تزئین اطاق عقد ۶۵۲۱۳۱

وی اچ اس

پاپ فیلم تصویر برداری رنگی ویدئو، فیلبرداری و عکسبرداری از مجالس شما توسط فارغ التحصیلان رشته سینما و تلویزیون ۶۴۲۲۰۷-۲۹۶۲۹۷

ویدئو دنیای ویدئو

تبدیل فیلمهای سوبر ۸ به نوار ویدئو آمیب انالیت، شماره ۹۲ تلفن ۸۳۱۹۸۳

لیاس خارجی

زنانه به قیمت ارزان انتهای امیرآباد شمالی پلاک ۶۱۵

هیدرا

فروش ستروکی دوم فیلمهای مجاز ۲۲۸۱۶

ویدئو هیتاچی

وی اج اس آکبند ۹۵۰۰ تومان فروش تلفن ۸۱۹۶۵۵

شبی ۵۰ ریال

اجاره و فروش نوارهای مجاز سونی و بتامکس ۶۴۲۰۱۶

نیازمندی‌ها

انتخاب اسلامی

بازرگانی مهکوب

انواع ویدئو و فیلمهای مجاز لوازم خانگی و صوتی ۶۵۱۲۶۹

ویدئو سیاست

پایه ۱۵۰۰ فیلم سینمایی مجاز، فروش انواع ویدئو و فیلمهای مجاز ۸۲۵۳۹۸-۸۲۵۳۹۹ همه نوع ویدئو موجود

ویدئو هیدرا

اجاره نوار ویدئو ۲۲۸۲۱۶ ۷۰۱۹۲۸

ویدئو شادی

اجاره نوارهای بتامکس ویدئو و ۳۰۰ ریال تحویل در منزل ۲۵۰ ریال هفت حوض نارمک ۷۸۵۷۱۶

ویدئو سعید

بدون حق عضویت و ودیعه عضو ۲۹۶۴۴۵-۷۸۷۶۲۳

پالس الکترونیک

اجاره و فروش فیلمهای سینمایی مجاز با سرویس بتامکس وی اج اس تلفن ۶۴۰۶۵۸

های ویزون

جهت عرضه بهترین انار سینمایی مجاز در ایران کلی و جزئی اسنادگی خود را اعلام میدارد. کلوب با شرایط سهل عضو میپذیرد. جردن چهار راه میرداماد بزرگ مصدق شماره ۲۹۹ تلفن ۲۲۳۳۱۰

نایس ویدئو

برای دومین آلبوم برگزیده جدید دوره ای بتامکس تعداد محدودی عضو میپذیرد (عضویت مجانی- سرویس منظم - کیفیت عالی) ۸۳۸۴۹۹-۸۳۸۵۰۶

Ani

تبدیل فیلمهای سوبر ۸ به نوار ویدئو آمیب انالیت، شماره ۹۲ تلفن ۸۳۱۹۸۳

فروشگاه اعتماد

علاقمندترین خریدار فرش و کلیه لوازم منزل ۷۶۴۱۰۰

فروش شایان

فروش های اعلا کهنه و نو جهت صادرات ۶۶۶۲۳۰-۶۶۶۲۳۰

فروش دریانی

بهترین خریدار فرشهای کهنه و نو ۹۷۱۹۵۵-۹۷۲۳۵۷

فروش مس

فروشهای با کیفیت شماره ۱ بیش از دیگران خریداریه ۸۳۵۹۰۸-۸۳۷۹۵۸

فروش خندان

فروشهای کهنه و نو ۲۳۰۵۷۹ ۲۳۰۵۷۹ ۲۳۰۵۷۹

ایران فرش

بهترین خریدار فرش اعلا و لوازم منزل تلفن ۹۷۳۵۶۱

گالری شایسته

بهترین خریدار فرشهای کهنه و نو جهت صادرات ۷۵۰۹۵۱-۷۶۶۳۸۵

تضمین ۱۰۰٪

بخشکنونی موقت میلمان فرش ظافت کلی و نقاشی ساختمان ۶۶۵۰۴۰-۶۶۷۴۵۱

جهان ویدئو

فیلبرداری رنگی ویدئو از مجالس قبل از سفارش چند نمونه فیلمهای قبلی ما را دیدن کنید ۶۶۴۰۶۸-۶۶۱۵۶۵

پیانو شماریا

لوازم منزل فرش تلویزیون عادلانه خریداریه ۸۲۱۱۸۵

خدمات پانته آ

بخشکنونی مبل موقت شیشه تزئینات و ظافت کلی ۸۲۹۰۲۵۸-۲۵۸۲۲۲

دورا گلین سرویس

شکله شرف میلمان- موقت- فرش تزئینات از زمین در منزل مطابق با آخرین تکنیک متداول در دنیا ۸۴۵۶۱۳-۸۴۵۶۱۳

ارزان فوری

بخشکنونی موقت مبل فرش و ظافت کلی ۸۴۳۷۴۹

فرش شایان

فروش های اعلا کهنه و نو جهت صادرات ۶۶۶۲۳۰-۶۶۶۲۳۰

مشقاسم کلین سرویس

بخشکنونی موقت - موزاییک - کفپوش (پولیش) شیشه ۶۳۰۹۷۵

فروش دریانی

بهترین خریدار فرشهای کهنه و نو ۹۷۱۹۵۵-۹۷۲۳۵۷

کلین ماستر

تعمیرات و نقاشی ساختمان ۸۲۸۶۶۶-۸۲۳۲۲۷

کلین مازیک تهران

میلان موقت ۶۷۱۹۵۵-۶۷۲۳۵۷

شربت اوغلی

فروشهای با کیفیت شماره ۱ بیش از دیگران خریداریه ۸۳۵۹۰۸-۸۳۷۹۵۸

قالیشویی مازیک

رنگ پلاستیک ۱۲۵ ریال و رنگی ۲۰۰ ریال انواع موقت، کاغذ، کفپوش ۶۸۰۴۷۱-۶۸۰۵۷۱

ماژیک ری

فروشهای تقی شمس را خریداریه ۶۸۱۹۱۷

قالیشویی مازیک

رنگ پلاستیک ۱۲۵ ریال و رنگی ۲۰۰ ریال انواع موقت، کاغذ، کفپوش ۶۸۰۴۷۱-۶۸۰۵۷۱

قالیشویی ظاهر

۵۵۱۶۵۹-۵۵۱۶۱۰

قالیشویی اسلامی

۵۵۱۶۱۴

قالیشویی ایران مازیک

۵۹۵۵۶۹

قالیشویی مازیک تهران

۵۹۵۵۳۶

قالیشویی نائین

۷۲ ساعت به رنگ ثابت تهران ۵۴۳۷۴۴

قالیشویی اطلس

مجهز به رفوگری و رنگبرداری بخشکنونی مبل موقت شیشه تزئینات و ظافت کلی ۸۲۹۰۲۵۸-۲۵۸۲۲۲

قالیشویی وطن

۹۵۵۴۴۰-۹۵۵۴۴۰

تزیینات نقاشی ساختمان

پلاستیک ۱۱۵ ریال و رنگ ۱۶۵ ریال به بالا با ضمانت ۸۲۹۶۲۴

تزیینات ارکید

فروش و نصب فوری کاغذ موقت، ککرکه، نقاشی، بنای و شستشو ۸۵۲۶۲۵

آلومینیم

زیر بنا ۱۷۰۰ تومان بالا اسفالت لوله کشی، سیم کشی نقاشی ساختمان ۲۶۳۱۶۵

مقاطع

زیر بنا با مصالح متری ۱۷۵۰ ریال تکمیل زیر بنا انبار با سوله ۱۳۰۰ تومان زیر بنا مرغزاری با سوله متری ۱۰۰۰ تومان ۶۳۷۴۴۴

پارکت

ارزانتر سریعتر و بهتر از همه جا همه رده ایرانی، خارجی ۸۵۲۸۱۸

نقاشی ساختمان

موقت، کاغذ دیواری، کفپوش تلفن ۶۶۳۱۴۶

آلومینوم

موقت و رنگ و سوره ۶۶۳۱۴۶

آلومینوم

تعمیرات و نقاشی ساختمان ۷۶۰۴۰۶-۷۶۸۱۹۶

نقشه ساختمان

مجلسه، امضاء و اخذ جواز مقاطعه ساختمان متری ۱۵۰۰ تومان باشوفاژ ۸۵۶۹۸۹

سایبان

سایبان اتومبیل سقف حیاط ۲۰۰ متری ۲۰۰۰ تومان و دره و حفاظ تلفن ۸۴۴۳۷۰

آلومینیم

درب و پنجره در اسرع وقت ۹۵۲۵۷۲

آسفالتکاری

سریع ارزان ۷۵۳۸۵۰-۷۶۹۰۹۳

آسفالتکاری

درب و پنجره در اسرع وقت ۹۵۲۵۷۲

آسفالت

مجهز به رفوگری و رنگبرداری بخشکنونی مبل موقت شیشه تزئینات و ظافت کلی ۸۲۹۰۲۵۸-۲۵۸۲۲۲

آسفالت

مجهز به رفوگری و رنگبرداری بخشکنونی مبل موقت شیشه تزئینات و ظافت کلی ۸۲۹۰۲۵۸-۲۵۸۲۲۲

آسفالت

مجهز به رفوگری و رنگبرداری بخشکنونی مبل موقت شیشه تزئینات و ظافت کلی ۸۲۹۰۲۵۸-۲۵۸۲۲۲

آسفالت

مجهز به رفوگری و رنگبرداری بخشکنونی مبل موقت شیشه تزئینات و ظافت کلی ۸۲۹۰۲۵۸-۲۵۸۲۲۲

آسفالت

مجهز به رفوگری و رنگبرداری بخشکنونی مبل موقت شیشه تزئینات و ظافت کلی ۸۲۹۰۲۵۸-۲۵۸۲۲۲

آسفالت

مجهز به رفوگری و رنگبرداری بخشکنونی مبل موقت شیشه تزئینات و ظافت کلی ۸۲۹۰۲۵۸-۲۵۸۲۲۲

آسفالت

مجهز به رفوگری و رنگبرداری بخشکنونی مبل موقت شیشه تزئینات و ظافت کلی ۸۲۹۰۲۵۸-۲۵۸۲۲۲

آسفالت

مجهز به رفوگری و رنگبرداری بخشکنونی مبل موقت شیشه تزئینات و ظافت کلی ۸۲۹۰۲۵۸-۲۵۸۲۲۲

آسفالت

مجهز به رفوگری و رنگبرداری بخشکنونی مبل موقت شیشه تزئینات و ظافت کلی ۸۲۹۰۲۵۸-۲۵۸۲۲۲

آسفالت

مجهز به رفوگری و رنگبرداری بخشکنونی مبل موقت شیشه تزئینات و ظافت کلی ۸۲۹۰۲۵۸-۲۵۸۲۲۲

آسفالت

مجهز به رفوگری و رنگبرداری بخشکنونی مبل موقت شیشه تزئینات و ظافت کلی ۸۲۹۰۲۵۸-۲۵۸۲۲۲

آچاره به خارجی

مدیریت جدید تهران امور خارجی سازمان ۸۵۰ از صاحبخانه های محترم دعوت مینماید که با تماس با خانم شیپانی امکانات اجاره ویلا و آپارتمان خود را بخارجیان معرفی نمایند ۸۵۲۱۷۸-۸۴۲۶۵۰-۸۴۲۹۶۶

خانواده زاپنی

سریعا به ویلا یا آپارتمان صنف مستقل دارای ۴ یا ۳ خوابه در بهارستان، جردن، و زواره و منطقه میرداماد نیازمند است. با خانم شیپانی تماس بگیرید. ۸۵۲۱۷۸-۸۴۲۶۵۰-۸۴۲۹۶۶

سازمان

سایبان اتومبیل سقف حیاط ۲۰۰ متری ۲۰۰۰ تومان و دره و حفاظ تلفن ۸۴۴۳۷۰

سازمان

سایبان اتومبیل سقف حیاط ۲۰۰ متری ۲۰۰۰ تومان و دره و حفاظ تلفن ۸۴۴۳۷۰

سازمان

سایبان اتومبیل سقف حیاط ۲۰۰ متری ۲۰۰۰ تومان و دره و حفاظ تلفن ۸۴۴۳۷۰

سازمان

سایبان اتومبیل سقف حیاط ۲۰۰ متری ۲۰۰۰ تومان و دره و حفاظ تلفن ۸۴۴۳۷۰

سازمان

سایبان اتومبیل سقف حیاط ۲۰۰ متری ۲۰۰۰ تومان و دره و حفاظ تلفن ۸۴۴۳۷۰

سازمان

سایبان اتومبیل سقف حیاط ۲۰۰ متری ۲۰۰۰ تومان و دره و حفاظ تلفن ۸۴۴۳۷۰

سازمان

سایبان اتومبیل سقف حیاط ۲۰۰ متری ۲۰۰۰ تومان و دره و حفاظ تلفن ۸۴۴۳۷۰

سازمان

سایبان اتومبیل سقف حیاط ۲۰۰ متری ۲۰۰۰ تومان و دره و حفاظ تلفن ۸۴۴۳۷۰

سازمان

سایبان اتومبیل سقف حیاط ۲۰۰ متری ۲۰۰۰ تومان و دره و حفاظ تلفن ۸۴۴۳۷۰

سازمان

سایبان اتومبیل سقف حیاط ۲۰۰ متری ۲۰۰۰ تومان و دره و حفاظ تلفن ۸۴۴۳۷۰

سازمان

سایبان اتومبیل سقف حیاط ۲۰۰ متری ۲۰۰۰ تومان و دره و حفاظ تلفن ۸۴۴۳۷۰

سازمان

سایبان اتومبیل سقف حیاط ۲۰۰ متری ۲۰۰۰ تومان و دره و حفاظ تلفن ۸۴۴۳۷۰

سازمان

سایبان اتومبیل سقف حیاط ۲۰۰ متری ۲۰۰۰ تومان و دره و حفاظ تلفن ۸۴۴۳۷۰

سازمان

سایبان اتومبیل سقف حیاط ۲۰۰ متری ۲۰۰۰ تومان و دره و حفاظ تلفن ۸۴۴۳۷۰



پیشگامی دکتر احمد سلامتیان در سمنار ایران دانشگاهی در دفتر هماهنگی همکارهای مردم با رئیس جمهور

محیط دانشگاه را همیشه باید به اهرم تناسب قوای سیاسی جامعه بدل کرد

کرد و می رسیدیم، سعی میکردیم اطلاعات اسنادی و رک جمع کنیم، از ۵۳۰ نفر تقریباً کسانی که از سال ۱۳۵۰ تا ۱۳۵۵ اعدام شده بودند یا در زندانهای مختلف خیابانی کشته شده بودند و امکان این بود که اسامی و مشخصات آنها بدست ما برسد.

چون ما اسامی و مشخصات همه را نداشتیم البته چون ما بیشتر با دانشگاهیان ارتباط داشتیم ممکن است ارقام مربوط به آنها نیز بیشتر بدست ما رسیده است بهرحال از این ۵۳۰ نفر ۸۲٪ آنها کسانی بودند که یا درحال انجام تحصیلات دانشگاهی بودند یا تحصیلاتشان را یکی دو سال بود تمام کرده بودند. یعنی هنوز ادامه محیط زندگی و فعالیت دانشجویی داشتند. وقتی آمار کسانی که قربانی سربو شدند یک چنین نسبت بالایی باشد نشان دهنده میزان مبارزه و شدت مبارزات دانشگاهی است. حالا کیفیت مبارزه چه بوده؟ اثر بخش بوده یا نبوده؟ بحث دیگری است چون این جو اعتراضی در محیطهای دانشگاهی ما بطور دائم وجود داشته و مسئله عمده رژیم ما یکی از مسائل عمده سیاسی و امنیتی باصلاح خودش محیطهای دانشگاهی بود، دانشگاه بود.

و همه هم خود را بکار میبردند که کنترلش بکنند، ساکت بکنند، منحرفش بکنند. مسئله دانشگاه هم احتیاج به این ندارد که من باز خودم بدهم که امر خاص کشور ما نیست. در بقیه کشورهای دنیا سوم هم این مسئله وجود داشته است، طرف تمام سالهای گذشته میشود گفت آن جمله معروف ناصر که دانشجویان بعنوان سنگ آتشنه انقلابها هستند صحیح میباشد و تا یک زمانی فکر میکردند که این یک مشخصه دنیای سوم است که محیط دانشجویی باین ترتیب خیرمایه حرکتها اعتراضی و سیاسی و انقلابی باشد فکر میکنم حوادث سالهای ۶۸-۱۹۶۷ اروپا، اعتراضات عظیم دانشجویان آلمان شرقی آمریکا و حتی ویتنام و دانشجویان ایالتی و بالاخره ماه مه ۱۹۶۸ فرانسه خوبی نشان داد که این فقط اختصاص به کشورهای دنیای سوم ندارد و امروز با ابعادی که محیطهای دانشگاهی پیدا کرده، نحوه زندگی که دانشجویان دارند، موضوعاتی که بآنها سروکار دارند و میزان ارتباطی که درون خودشان دارند، میزان اطلاعاتی که دریافت میکنند بدل به یک محیط فوق العاده حساس و متحرک برای ایجاد تغییرات و تحولات اجتماعی شده به تدریج که بعد از ۶۸ فرانسه، حتی برای بسیاری این مسئله طرح شده بود که در دنیای ربع آخر قرن بیستم موتور حرکتها انقلابی آیا دانشجویان و دانشگاه و محیطهای دانشجویی است یا همان تقسیم بندیهای طبقاتی و سنتی که میگردند بهر حال در کشور ما رژیم گذشته در مقابل این حرکت محیط دانشجویی سیاستهای مختلفی داشت. عمده ترین سیاستش این بود که دانشگاهیان را در داخل محله های دانشگاه زندانی نگه دارد خیلی از مواقع میشد که تناسب قوا اجازه نمیدادند به دولت گذشته رژیم گذشته که جلوی فعالیتشان را در درون دانشگاه بگیرند در درون تحصیل میکردند اما این سببهای دانشگاه را درست بصورت میدهای زندان درآورده بودند و کسانی که زندان مانده باشند میدانند که در زندان محیط برای ایجاد انواع و اقسام برخورد-های صنعتی و جعلی فراهم است زندان از آنجاهاست که قربانیهای خود را خیلی راحت و سریع به جان هم میاندازد تحت فشارهای مختلفی که هست بهمین لحاظ و بر همین اساس همین سیاست هم دانشگاه خیلی محیطش فراهم بود برای اینکه فرقه فرقه گروه گروه بشود و همین که در داخل این میلهها

نسبت اسنادی دانشگاه به بنده نمی براد معلول هم دارد. میل به تدریس زیاد داشتیم اما در طول مردم جز یک کسالی که در دانشگاه پاریس کوچک و جزئی اینکار را انجام دادند و بعد یکسال بعد از انقلاب که دوسه تا کلاس داشتیم و به دانشکده های مختلف میرفتیم آن هم بصورت آماتور نه بصورت حرفه ای، وقت دیگری استاد دانشگاه نبوده ام. شاید اگر که در دوران گذشته آزادی بیشتری وجود داشت می آمدم دانشگاه. آخرین باری که دانشگاه آمدم وقتی بود که لیباسی را تمام کرده بودم برای دوره دکتری حقوق رشته اقتصاد امتحان داده بودم یک "حکبان" نامی بود مسئول ساواک دانشگاه جدیداً تعیین شده بود یک روزی جلوی دانشگاه حقوق بقیه من را گرفت و گفت بیا دفتر من و رفتم دفترش گفت که یا از دانشگاه بیرون میروی و دیگر نمی آوری یا میروی نظام وظیفه، انتخاب کن کدامش؟ و بالاخره ما از دانشگاه بیرون آمدم بعد از آن عملاً امکان نبود. بعد از انقلاب هم گرفتاری دیگر مانع اینکار بود و گرنه از نقطه نظر علاقه به یک طرف شغل شاید کار تدریس دانشگاه، اگر دانشگاهیان این اقتضای را بدهند که در جبهه ما باشیم، کاری است که بسیار از هر چیزی به آن علاقه دارم متأسفانه امکانش نیست.

اما صحبتی که امروز میخواستیم بکنیم باتوجه باینکه بخصوص این سمنار این هفته مفید است که فارغ از گرفتاریها و قید و بندهای سیاسی مختلف روز برگزار شود تا اینکه بتواند نتیجه بدهد و صحبت من با توجه باینکه یک آدم سیاسی هستم خواه ناخواه سیاسی خواهد بود و چون آدمی هستم که کار سیاسی هم انجام میدهم میخواستیم بگویم، ما باینکه شاید احتیاج به توضیح نداشته باشیم، مطالبی که عرض

شاید یکی از مشخصات عمده دانشجویی در دوران انقلاب اسلامی و دوران قبل از کسب قدرت، قبل از پیروزی و عبارتی از این بود که دانشگاه توانست میله های خودش را بشکند. هم دانشجویان دانشگاه آمد بیرون و در متن جامعه قرار گرفت هم متن جامعه در دانشگاه حضور یافت.

میکنم کلاً و انحصاراً عهده خودم است و مربوط به این مجموعه هفتگی هم نمیتوانم چون برگزار کنندگان اینجا وقتی باین گفته بیایند و صحبت کنید بنده بگفته اند که راجع به محیطهایی که وجه موضوعاتی صحبت کنیم لذا بسم خودم مقداری مطلب تنظیم کردم متناسب با این مسئله البته مطالب هم هر چند سیاسی است از اول صحبت بگویم که گویای این نکته خواهد بود که جقدر بد است که در امری مثل انقلاب فرهنگی و جنگونی و درگونی کردن نظام آموزشی فقط و فقط بر مبنای سیاست روز و محاسبات کوتاه نظرانه عمل بکنند و گرنه دانشگاه و انقلاب از فرهنگی کار یک دیدگاه دراز مدت است نمیتواند از سیاست فارغ باشد. آن چیزی را که باید از آن اجتناب کرد اینست که نباید در خدمت مسائل روز و کشمکشهای روز سیاسی باشد و اما موضوع صحبت من، بطور مشخص بگویم وقتی من اینجا میگویم انقلاب اسلامی و انقلاب فرهنگی بعنوان دو تا اسم خاص میگویم یعنی انقلاب اسلامی اسمی است که اطلاق میشود به مجموعه حوادثی که ظرف سالها گذشته در کشور ما اتفاق افتاده و تا به امروز ادامه پیدا کرده، از نقطه نظر من و آنچه که باید باشد و تعریف انقلاب اسلامی از نقطه نظر بینشی چیست لاشعور در این صحبت من من نیست انقلاب فرهنگی هم بهمین ترتیب، وقتی صحبت میکنم اسمی است که اطلاق میشود به یک سلسله حوادثی که در یک دوره مشخصی از تاریخ انقلاب اسلامی و سیر حوادث انقلاب اسلامی اتفاق افتاده باز مربوط به آن معنا و مفهوم که به انقلاب فرهنگی در یک نظام اسلامی میدهم در این صحبت من نیست و صحبت کردن راجع به این موضوعات را از این دید و از این جنبه بعیده کسانی میگذارم که بیش از من صاحب نظر هستند این سلسله حوادث که اسم "انقلاب فرهنگی" گرفت در کشور ما یک سلسله حوادث دانشگاهی و دانشجویی بود مربوط به محیط دانشگاه و اینهم در یک شرایط و اوضاع و احوال خاصی از تحول سیاسی جامعه انقلابی ما اتفاق افتاد برای اینکه این دو جنبه را خوب مشخص و

معینش بکنم تاگزیم یک مقداری برگردم به عقب و بگویم که دانشگاهها محیطهای دانشگاهی و دانشجویان که متأسفانه ظرف یکسال اخیر در تبلیغات مختلف نظر نقشان در گذشته سیاسی حرکت انقلابی مردم ایران که منجر به انقلاب اسلامی شد مورد بی مهری قرار گرفته اند چه بوده است، گروه بندها چیزهای نمی آوزد و فکر میکنم امری است که همه میدانند ولی در حدیثی بد نیست که عملاً از مرداد ۱۳۴۲ بعد، حالا به قبل ۳۳ بازگاری ندارم دانشگاه بطور کلی در درجه اول دانشگاه تهران که بصورت دانشگاه مادر بود در مجموعه دانشگاههای ما عمده ترین و بزرگترین پایگاه اعتراض و مخالفت با رژیم گذشته بود حال اگر نیش از اول اعتراض خوب بوده یا نیتش بد بوده، خوب اعتراضی کرده یا بد اعتراضی کرده، بحث دیگری است اما شاکافی است مجموعه مطبوعات و گزارشاتی که راجع بر زندگی سیاسی کشور ایران از مرداد ۳۳ تا زمان پیروزی انقلاب سیاسی ایران هست مورد بررسی قرار میدهد و مجموعه گزارشات روز بروز در روزهای بعد، نه تاریخی را که معمولاً بعد از حدود تاریخ تاریخی مینویسند، بنا بر سبب ملاحظات زمان نگارش تاریخ، بلکه تاریخی که اتفاق افتاده است از نقطه نظر تعداد بگیرد از نقطه نظر نگار بگیرد از نقطه نظر تعداد بگیرد از نقطه نظر اهمیت محیطهای دانشگاهی ایران نقش و اهمیت اعتراضی و مبارزاتی علیه رژیم گذشته نداشته است که گاهی یک حادثه یک روز اتفاق افتاده است اما همین چنان بوده که بقیه مسائل را کلاً برای دمسال تحت الشعاع خودش قرار داده است. اما از نقطه نظر تعداد، تکرار، تداوم، اعتراضی و مبارزه هیچ جایی هیچ محیطی با اندازه محیط دانشگاه نبود. یک وقتی در خارج از کشور به مطالعه و مبارزه با سربو و اختناق که رژیم گذشته در ایران حاکم

دوباره زندانی شد داخل میله های خودش و متدرجا مثلاً به یک انقطاع شد از مجموعه حرکت جامعه. علتش چیست؟ بحث مفصلی است بنظر من عمده ترین علتش عبارت از این بود که بحث داخل دانشگاه افراطی و تفریطی خیلی راحت تر و ساده بود و از آنجایی که روشنفکر بطور کلی مودودی است که دنبال راهی راحت و سهل و ساده میورد برای دانشگاهی خیلی دلخوار بود که در داخل همان محیط هدلان و همکاران با هم دیگر مرتب به مواضع تندتر و شدیدتری برسند. صورتی، تصویری از آن چیزی که بعنوان واقعیتی که باید دنیا متناسب با آن باشد برای خودشان سازند. این تصویر را روز بروز زیاده و زیاده تر میکنند و با زیاده تر کردنش خیلی هوای تری میکنند و جذب او بشوند و خواه ناخواه هم به کشمکشهای مختلف درون آن سرگرم باشند به تدریج که خیلی سریع محیط دانشگاهی ما محیطی شد که وقتی شما از خیابانهای مختلف تهران وارد دانشگاه میشدید یا در اصفهان وارد دانشگاه اصفهان میشدید مثل اینکه وارد یک کشور دیگری شده اید که این کشور با مجموعه

بعد از انقلاب دانشجویی و محیط میله های خودش و متدرجا "مثلاً به یک انقطاع شد از مجموعه حرکت جامعه".

بدنه اجتماعی و حرکتی که داشت سختی زیادی نداشت حالا میخواهم بگویم از آن جلوتر با عقبتیر بود با قضاوت ارزشی نمیخواهم بکنم آنچه که مسلم است دو تا محیط کامل متفاوت بود و باز بنظر من محیطهای دانشگاهی ما این اشتباه بزرگ را کرد که بریده شد، منقطع شد. اگر رژیم گذشته میله های دانشگاه را بقصد بدل به میله های زندان کرده بود این امر این بار انتخابی بود که کمابیش خود این عناصر فعال محیطهای دانشجویی میگردند. خودشان ترجیح میدادند در داخل محیطهای دانشگاهی باقی بمانند. مسلماً داخل آن محیطی که افراد هم فکر و همدلی بودند خیلی بهتر میتوانستند ارتباط برقرار کنند. حرفهای خیلی تندتری هم میتوانستند بزنند، اینکه واقعیت اجتماع با آن میخواند پس نمی خواند. بحث دیگری بود. خود این نظامی که حاصل شد در محیط دانشجویی بنظر من یک حیات سیاسی مصنوعی به محیطهای دانشگاهی ما داد که با حیات سیاسی مجموعه جامعه ما نمی خواند. و یکی از علل و عوامل اصلی پیدایش سلسله حوادثی بود که بعداً به اسم انقلاب فرهنگی موسوم شد، اگر نگاه کنیم از ابتدای پیروزی انقلاب، تشکیل دولت موفق، ایجاد نظام جمهوری اسلامی، تشکیل مجلس خبرگان، اشغال جاسوسخانه، تصویب قانون اساسی سقوط دولت موقت، دولت شورای انقلاب، انتخابات ریاست جمهوری، دوره اول انتخابات تا برسم به انقلاب فرهنگی که انقلاب فرهنگی فراموش نکنیم در فاصله بین دوره اول و دوره دوم مجلس شورای اسلامی انجام شد، خیلی خوب میبینیم در مجموعه سیر این حوادث دانشگاه و محیط دانشگاهی و فعالیت سیاسی دانشجویی مثل اینکه از مجموعه حرکتی که جامعه برای خودش داشت یک تفاوتی پیدا کرد من خودم در آن زمان که میرفتم دانشگاه و میدیدم آن چیزی که مطرح میشد در محیط دانشگاهی ما یک طرح است در درجه اول درس است و درجه دوم درگونی کردن محیط دانشگاهی است. "اقلاً از نظر دانشجویان صحبت آن گدایان میشد ضرورتش را هم در حدس کرده بودند اما آن چیزی که بیش از همه چیز همراهمسحور خودش کرده بود دعواها و برخوردهای مختلف گروهی بود که تصور این را میکرد که با اهرم دانشگاه میتواند در اهرمهای سیاسی کل کشور تغییر و تبدیل اساسی بدهد. تصور این حالت بوجود آمده بود که اگر مثلاً "من در دانشکده فلان فائق بشوم این مقدمه فائق شدم در سطح کل جامعه است. حال اینکه مسئله درست نبود. شاید خود فائق شدن در یک محیط دانشگاهی منجر به دورتر افتادن از محیط کل جامعه باشد و آن چیزی بود که اتفاق افتاد، در کشمکشهای درون دانشگاهی تناسب قوای بوجود آمده بود که این تناسب قوا به هیچوجه با تناسب قوای موجود در سطح کل کشور نمیخواند اما دانشگاه باز خاصیت خودش را به عنوان خیرمایه حرکت اجتماعی از دست نداده بود هر کسی هم به همین لحاظ درصدد دست اندازی به محیط دانشجویی بود، داستان حمله دانشجویان مسلمان پیرو خط امام به جاسوسخانه آمریکا و اشغال سفارت آمریکا و حرکتی که پشت سر آن در جامعه بوجود آمده که اگر دقیق نگاه کنیم یکی از علل مادی ملموس و مشخص امکان پذیر این واقعه این بود که سیمید یا چهارصد تا دانشجویان باقیمانده در یک محیطی میتوانستند باهم ارتباط نزدیکتر داشته باشند. ظرف یک مدت یکسال و نیم دوساله قبل با هم، تجربه مشترکی داشتند بعلت آن ارتباط و آن انسجامی که در درون پیدا کرده بودند، توانستند عملی را انجام بدهند و بدل به یک نیرو و قدرت سیاسی اجتماعی در آنجا بشوند که هیچ ارتباطی با قدرت واقعی فیزیکیان نداشت. حرکتی

در انتخابات ریاست جمهوری ما رسیدیم به اینکه نتیجه انتخابات در دور اولی که هیچ کس تصور این را نمیکرد که در دور اول نتیجه بدهد منجر به ۷۵٪ درصد یک طرف شد، ۴٪ درصد، یک طرف شد و ۱۵٪ درصد یک طرف دیگر و آن ۴٪ درصد چه از نقطه نظر سازماندهی اش، چه از نقطه نظر شخصیهای مختلفی که مادی و مدافعتش بودند جریانی بود که الان اکثریت مجلس را دارد.

زندانی بودند گروههای مختلف بجان هم بیفتند و یکجوع جامعه کوچک درست میگردند که اغلب از فعالیتهای جامعه بیرون هم دور میافتاد، یک جنگ قدرتی در داخل دانشگاه درگیر میشد بین گروههای مختلف دانشجویان و کشمکشها و نزاعاتی که باهمین جامعه ارتباطی نداشت و رژیم هم سعی میکرد که در داخل این نزاعات این حرکت را فرسوده اش بکند، مثلاً به پوسیدگی کشیدن و تخلیص ببرد و با خیال راحت حکومت خودش را ادامه بدهند. شاید یکی از مشخصات عمده دانشجویی در دوران انقلاب - اسلامی و دوران قبل از کسب قدرت، قبل از پیروزی عبارت از این بود که دانشگاه توانست میله های خودش را بشکند ما دانشجویان دانشگاه آمد بیرون و در متن جامعه قرار گرفت هم متن جامعه در دانشگاه حضور یافت فراموش نکنیم روحانیون در زمانی که

یک زمانی فکر میکردند که این دانشجویی باین ترتیب خیرمایه حرکتها اعتراضی و سیاسی و انقلابی باشد.

که بر وجود آورده بودند حرکتی بود که سرتاسر جامعه ما را زیر و زبر و کرد. حرکتی بود که دولت موقت را حداقل، دولت امام زمان را (چون دولت موقت، فقط دولت موقت نبود) ساکتش کرد. حرکتی بود که روابط ایران و آمریکا را قطع کرد حرکتی بود که درگونیهای عظیم در سیر انقلاب اسلامی ایران بوجود آورد و این حرکت از نقطه نظر فیزیکی بگیریم کار چهارصد تا دانشجو سیمید تا دانشجویان است که اگر این سیمید تا دانشجو در یک محیط با هم دیگر نبودند، چقدر خوبایه مشترک نداشتند، همدیگر را نمی شناختند، آن تجربه مشترک را نداشتند و میتوانستند به این راحتی و به این

دست این کار را بکنند. بنظر من نقش اشغال جاسوسخانه صرف نظر از هر تاثیر دیگری که داشت دارای این تاثیر هم بود که بگروههای محدود، معدود دانشجویان این برداشت را داد که قدرت عظیم برای زیر و زبونی کردن بسیاری از حوادث و جریانات کشور دارند. این امری نبود که فقط از دانشجویان به آن پی برده باشند. امری بود که دیگران هم متوجه شده بودند. یک میلی به تکرار جریان جاسوسخانه بوجود آمده بود، جریان جاسوسخانه امکان داده بود یک حرکت عظیم اجتماعی بوجود بیاید، میلی بوجود آمده بود که این کار در جاهای دیگر هم میشود انجام شود و همان اهرم میتواند حرکت آفرین باشد. در سیر انقلاب اسلامی جریان اشغال لانه جاسوسی و موجی که پشت سر خودش آورد مسلماً "در ساقط شدن دولت موقت و همچنین در جریان مجلس خبرگان و نتیجه گرفتن و تصویب قانون اساسی تاثیر داشت. بعد از آن انتخابات ریاست جمهوری در داخل کشور ما در سیر شکل گرفتن و انجام پیدا کردن نظام جمهوری اسلامی حاکی از یک حرکت دیگری بود، دور انتخابات ریاست جمهوری ما رسیدیم به اینکه نتیجه انتخابات در دور اولی که هیچکس تصور این را نمیکرد که در دور اول نتیجه بدهد منجر به ۷۵٪ درصد

یک طرف شد، ۴٪ درصد یک طرف شد و ۱۵٪ درصد یک طرف دیگر و آن ۴٪ درصد چه از نقطه نظر سازماندهی اش، چه از نقطه نظر شخصیهای مختلفی که مادی و مدافعتش بودند جریانی بود که الان اکثریت مجلس را دارد. انتخابات ریاست جمهوری برای من مرحله ای بود که جمهوری اسلامی ایران را بعد از اینکه قانون اساسی تنظیم و تدوین شده یک وجدان شعور عمومی در سرتاسر کشور یک لحظه ای انتخابی کرده است که این انتخاب مسلماً "مورد طبع و مورد میل کسانی که اهرمهای مختلف نظام را در دست داشتند نبود. این را حجاز نقطه نظر اسامی افراد، چه از نقطه نظر موضوعی گریبایا، چه از نقطه نظر اعلامیه ها من میتوانم ثابت کنم. اینجا وقتش نیست که مفصل راجع به آن صحبت و بحث و گفتگو بکنم اما کافی است روزنامه های زمان انتخابات ریاست جمهوری را شما در نظر بگیرید چه از نقطه نظر موقوف احزاب، چه از نقطه نظر موضع شخصیهای مختلف عمده، آقای حبیبی عملاً "در یک لحظه ای و در یک برهه ای بیانگر حالا به میل یا خلاف میل خود، به طیب خاطر یا خلاف میل و نظر اش، مجموعه جریاناتی بود که در انتخابات مجلس کل آن جریانات ۱۳۶ تا نماینده مشخص و قطعی از کاندیداهای او برد حال که در انتخابات ریاست جمهوری چنین وضعی اتفاق نیافتاد البته عده ای میتوانند راجع به انتخابات ریاست جمهوری این بحث را بکنند علتش کنار رفتن یکی از کاندیداهای نامی ما برای انتخابات ریاست جمهوری ۲۴ ساعت قبل از انتخابات یک سنجش افکار را منتشر کردیم. که عملاً نتایج انتخابات را پیش بینی کرد دقیق و همان سنجش افکار قبل از اینکه آن کاندیدای کنار رفته، کنار برود سنجش افکار کردیم ۴٪ کل آرا را داشته، آراش تفاوت زیادی نکرده، بخش عظیم آرای که داشت منتقل شد عملاً به کاندیدای دیگری که بعداً "جانشین او شد، خوب، طبیعتاً بعد از انتخابات ریاست جمهوری یا چنین اکثریتی باید جریانی شکل گرفتند اینها یکی دیگر مثل مجلس، مثل دولت، مثل ارگانهای دیگر در همان سیر حرکت افکار عمومی و آرا عمومی بود، اگر میزان رای ملت است، حال اینکه این امر اتفاق نیفتاده بین تاریخ ۵ بهمن ۱۳۵۸ تا تاریخ ۱۹ اردیبهشت ۱۳۵۹ یک سلسله تحولات عمده در جامعه ما اتفاق افتاد که ۱۹ اردیبهشت دور دوم انتخابات

کند و در فروردین ماه ۵۹ شروع شد. برخوردهای تکریم و برخوردهای کدرستان بطور شدید عملاً " فروردین ماه ۵۹ شروع شد. اولین اعدام جدی وزیر امور خارجه عراق علیه جزایر خلیج فارس و عملاً اعدام جنگ سیاسی عراق به ما در دهان تاریخ شروع شد. اخراج ایرانیان مقیم عراق یا عراقیهای تابعیت مشخصی نداشتند شیعیان عراق به ایران در همان یکماه شروع شد و گسترش پیدا کرد. در ماههای فروردین اردیبهشت من بنا بر حوادثی مسئول اطلاعات و اخبار رادیو تلویزیون ایران بودم و اطلاعات و اخبار رادیو تلویزیون یک مملی است که از ابتدای انقلاب ما تا بحال فرزندترین محیطها بوده ۱۰ تا ۱۵ تأدیر اطلاعات و اخبار عمومی شده که اگر کسانی در آینده فرصت پیدا بکنند تاریخ تطویر این میدان اطلاعات و اخبار را مطالعه کنند یکی از بهترین قرینه ها و نشانه های تحولات قدرت از شروع انقلاب اسلامی تا زمان است محیط خبر محیطی است بسیار لایزال، نرفته، مایه مایه بیشتر محل هیوط تا محل صعود. هر کسی میورد آنجا میافتد، ساقط میشود و من چون در حال اطلاعات و اخبار بودم و کلیه اطلاعات و اخبار می آمد برخوردها و کشمکشهای بورس قدرت را به این ترتیب وجه خود می دیدم. خیلی خوب راجع به این دوره و تحولاتی که داشت اثری که "انقلاب فرهنگی" نامی خاص را دارم میگویم، دوران دوره داشت مدعی هستم میتوانم اظهار نظر بکنم: در آن مجموعه و در آن کشمکش منی صدر بعنوان رئیس جمهور تمام فریادش عبارت از این بود که باید حاکمیت دولت مستقر بشود، حاکمیت انقلاب مستقر بشود انقلاب دارد نظام قانونی باید برقرار شود و حاکمیت قانون برقرار شود امام هم فرمود که باید امنیت باشد و سال امنیت باشد در همان زمانی که در فروردین بنظر من ما عظیم ترین نظام را بعد از پیروزی انقلاب اسلامی را داشتیم اولین سالگرد جمهوری اسلامی، ۱۲ فروردینش اگر یادتان باشد بارانی می آمد، آن شد باران امتحان حتی شدیدتر و با وجود این چند نخل و فتنه زبیراتک، کمکی از آنها خارج بود، لایحهای آوردند و یک ستمگری برای وی برقرار کردند و چندین نفر زیر دست او شدند و از صبح تا عصر جمعیت همین طور موج میزد و جمعیت پایان ناپذیر بود. در آن شرایط و اوضاع و احوال عده ای آن چیزی که مدنظرشان نبود حاکمیت پیدا کردند و آن "دور دوم" انتخابات بود این بود که که مجلس بدهد نام می آید که "دور دوم" انتخابات یک بخشنامه های رساندن بهمین و گفتند این بخشنامه را بخوانید و باطله های وزارت کشور هم مشاهده بکنید بخشنامه می عبارت از این بود که چون محیط دانشگاه را نمیتوان در اختیار احزاب، دستجات، گروهها، جهت انجام برنامه های سیاسی قرار داد لذا خواهشمند است به مسئولین دانشگاهها دستور فرمائید از اجازت دادن به گروههای سیاسی به دستور عنوان برای برگزاری مراسم تبلیغات سیاسی خود داری کنند و وسایل موقوت قانون قرار بدهند در دانشگاهها من خودم یک زمانی دانشجوی بودم، در جریانات دانشگاهی هم بودم، در جریانات ۶۸ وقتی کمیک جو ملاحظه می کنید وجود دارد بهترین فرم مقابله کردن با آن عبارت از این است که به جای مواجهه کردن به مقامات دانشگاهی برای حل فصل موضوعات منقول بشود به مقامات امنیتی، مقام وزارت کشور یک مقام امنیتی است رئیس شهربانی باید مشاهده بکنند راجع به امور دانشگاه! خود این کمیک جو وقت باشند روی یک آنتنی است کدر حال با این رفتن و غور کردن در است ما متأسر بسیار زیادی آنجا مقاومت کردیم که این منطقی نیست.

تاریخی که اتفاق افتاده است از نقطه نظر تعداد بگیرد، از نقطه نظر تکرار بگیرد، از نقطه نظر تعداد بگیرد این مجموعه جایی با اندازه مجموعه محیطهای دانشگاههای ایران نقش و اهمیت اعتراضی و مبارزاتی علیه رژیم گذشته نداشته است.

مجلس آخرین قدمش و در طی این تحولات عملاً " آن بروز و ظهور وجدان عمومی که مربوط به ۵ بهمن بود تغییر شکل و تغییر جهت داد. حالا بعد از آن جامعه ما چه تحولاتی پیدا کرد آن بحث دیگر است اما وقایع سیاسی خاصش، اول کشمکش بود سرسنگد ریاست جمهوری که سگفته انجام بدهد یا ندهد بعد کشمکش بود سراینکه رادیو تلویزیون دست چه کسی باشد و انواع و اقسام افکارهای مختلف دانشجویان خط امام بود همه این داستانها در درجه اول در دوران یک قدرت انتقالی اتفاق افتاد فترت بیسن انتخابات ریاست جمهوری، انتخابات مجلس و بعدش انتخابات دور اول و انتخابات دور دوم در این دوره فترت بود چه از نقطه نظر حرکت مردمی، چه از نقطه نظر انتخاباتی مختلفی که انجام شد کسانی که بیانگر آن ۴٪ درصد ۱۵٪ درصد بودند مواضع کلیدی بسیاری را در داخل کشور گرفتند و عملاً "حالتی که یک نگرانی راجع به آن وجود داشت تحقق یافت آن نگرانی را من خودم در یک مقاله ای در روزنامه انقلاب اسلامی در تاریخ ۱۲ بهمن ۵۸ یعنی ۶ روز بعد از انتخابات ریاست جمهوری تحت عنوان "دور دوم" نوشتم. در ریاست جمهوری خود میدیدم که زمان انتخابات ریاست جمهوری عده ای خواستار این بودند که کاندیداهای اکثریت نیاروندند و اگر در مرحله اول هیچکدام از کاندیداهای اکثریتی نمی آورند در مرحله دوم برای کسانی که اهرمهای مختلفی را در اختیار داشتند امکان وجود داشت که صرف نظر از آن وجدان و حرکت عمومی جامعه نتوانستند. همانطوریکه در دربار انتخابات دیگری که در دنیا معمول است گفتگویی بکنند. توافق و مذاکراتی انجام بشود نفر دیگری شخص ثالثی انتخاب بشود و مورد تأیید قرار بگیرد و آن فرد عملاً " دور دوم ثبات دور اول" را از بین ببرد. در اولی که تصور میشد هیچکس آن ۵٪ درصد را نیارود این کسان بعد از انتخابات ریاست جمهوری دست از این "دور دوم" برنداشتند و عملاً " انتخابات مجلس را بدلتش کردند به "دور دوم" انتخابات

ریاست جمهوری، من همانجا در همان مقاله این را نوشتم که عده ای میخواهند این کار را بکنند اما نظام جمهوری اسلامی ایران و تعادل قوای که در قانون اساسی پیشبینی شده آنطور نیست که بتواند در سالیان اول حیات و زندگی خودش تحمل این "دور دوم" را بکند. یعنی تحمل این را بکند که نهادهای اصلی و اساسی از نقطه نظر بیان افکار عمومی و از نقطه نظر افرادی که در آن هستند مقابل همدیگر قرار بگیرند و به نظرم متأسفانه این کار انجام شد و الان بزرگترین و اساسترین بحرانی که در کشورمان داریم این بحران است این بحران است که بحران تعارض بین مجلس و انتخابات ریاست جمهوری است. چطور این امر اتفاق افتاد؟ اگر یادتان باشد کنگره انقلاب اسلامی تشکیل شد کنگره انقلاب اسلامی بنظر من توانست برنامه خود را از آنطور که باید و شاید با مشخص کردن و مشخص کردن آن اکثریت انتخابات ریاست جمهوری در آنجا که مجلس انجام بدهد. لذا یک حالت خلوتی در جامعه وجود داشت و در این حالت خلاصه که در جامعه وجود داشت انتخابات دور اول مجلس انجام شد. اولاً "خود این خلاصه مقدار زیادی بسیج مردم را کم کرد و میزان مشارکت در دور اول انتخابات را کم کرد آن اکثریت مطلق نمایندگان که انتخاب شد بیرون در آن دوره حساب بکنیم ۵٪ میلیون نفر بود. یعنی به نسبت کل رای دهنده گانی که در ابتدای فرآیند جمهوری اسلامی شرکت کرده بودند ۲۶ تا ۲۷٪ فقط رای داده بودند بجای اینکه نظام هاد اکثریتی را که در انتخابات ریاست جمهوری تیلور کرده بود همان قدرت بسیج را داشته باشد و مردم را بسیج بکند. در اثر همین خلاصه و در اثر همین قدرت روز بروز قدرت بسیج خودش را از دست میداد. درست است که قدرت بسیجی در خیابان زیاد بود شاید در کمتر دوره ای در انقلاب اسلامی ایران با اندازه آن دوره راهپیمایی شد و شمار خیابانی داده شد. راهپیمایان هم تعدادشان زیاد بود اما بسیج عمومی، سیاسی، فکر شده فردی که میورد پای صندوق و میتواند تصمص بگیرد و تصمص گرفته و بعد رأیهای را روی کاغذ می نویسد، این اندازه دورن صندوق " آن بسیج روز بروز در حال کمتر و کم تر شدن بود و این در چه شرایط و اوضاع و احوالی انجام میشد؟ در شرایط و اوضاع احوالی که کل انقلاب و کل کشور واجبه انواع اقسام توطئه های خرابی خود، تخریبهای اقتصادی آمریکا علیه ایران و کشورهای متحدش عملاً " از فروردین ماه از

آموزه با ابعادی که محیطهای دانشگاهی پیدا کرده، نحوه زندگی که دانشجویان دارند، موضوعاتی که بآنها سروکار دارند، و میزان ارتباطی که درون خودشان دارند، میزان اطلاعاتی که دریافت میکنند بدل به یک محیط فوق العاده حساس و متحرک برای ایجاد تغییرات و تحولات اجتماعی شده.

کند و در فروردین ماه ۵۹ شروع شد. برخوردهای تکریم و برخوردهای کدرستان بطور شدید عملاً " فروردین ماه ۵۹ شروع شد. اولین اعدام جدی وزیر امور خارجه عراق علیه جزایر خلیج فارس و عملاً اعدام جنگ سیاسی عراق به ما در دهان تاریخ شروع شد. اخراج ایرانیان مقیم عراق یا عراقیهای تابعیت مشخصی نداشتند شیعیان عراق به ایران در همان یکماه شروع شد و گسترش پیدا کرد. در ماههای فروردین اردیبهشت من بنا بر حوادثی مسئول اطلاعات و اخبار رادیو تلویزیون ایران بودم و اطلاعات و اخبار رادیو تلویزیون یک مملی است که از ابتدای انقلاب ما تا بحال فرزندترین محیطها بوده ۱۰ تا ۱۵ تأدیر اطلاعات و اخبار عمومی شده که اگر کسانی در آینده فرصت پیدا بکنند تاریخ تطویر این میدان اطلاعات و اخبار را مطالعه کنند یکی از بهترین قرینه ها و نشانه های تحولات قدرت از شروع انقلاب اسلامی تا زمان است محیط خبر محیطی است بسیار لایزال، نرفته، مایه مایه بیشتر محل هیوط تا محل صعود. هر کسی میورد آنجا میافتد، ساقط میشود و من چون در حال اطلاعات و اخبار بودم و کلیه اطلاعات و اخبار می آمد برخوردها و کشمکشهای بورس قدرت را به این ترتیب وجه خود می دیدم. خیلی خوب راجع به این دوره و تحولاتی که داشت اثری که "انقلاب فرهنگی" نامی خاص را دارم میگویم، دوران دوره داشت مدعی هستم میتوانم اظهار نظر بکنم: در آن مجموعه و در آن کشمکش منی صدر بعنوان رئیس جمهور تمام فریادش عبارت از این بود که باید حاکمیت دولت مستقر بشود، حاکمیت انقلاب مستقر بشود انقلاب دارد نظام قانونی باید برقرار شود و حاکمیت قانون برقرار شود امام هم فرمود که باید امنیت باشد و سال امنیت باشد در همان زمانی که در فروردین بنظر من ما عظیم ترین نظام را بعد از پیروزی انقلاب اسلامی را داشتیم اولین سالگرد جمهوری اسلامی، ۱۲ فروردینش اگر یادتان باشد بارانی می آمد، آن شد باران امتحان حتی شدیدتر و با وجود این چند نخل و فتنه زبیراتک، کمکی از آنها خارج بود، لایحهای آوردند و یک ستمگری برای وی برقرار کردند و چندین نفر زیر دست او شدند و از صبح تا عصر جمعیت همین طور موج میزد و جمعیت پایان ناپذیر بود. در آن شرایط و اوضاع و احوال عده ای آن چیزی که مدنظرشان نبود حاکمیت پیدا کردند و آن "دور دوم" انتخابات بود این بود که که مجلس بدهد نام می آید که "دور دوم" انتخابات یک بخشنامه های رساندن بهمین و گفتند این بخشنامه را بخوانید و باطله های وزارت کشور هم مشاهده بکنید بخشنامه می عبارت از این بود که چون محیط دانشگاه را نمیتوان در اختیار احزاب، دستجات، گروهها، جهت انجام برنامه های سیاسی قرار داد لذا خواهشمند است به مسئولین دانشگاهها دستور فرمائید از اجازت دادن به گروههای سیاسی به دستور عنوان برای برگزاری مراسم تبلیغات سیاسی خود داری کنند و وسایل موقوت قانون قرار بدهند در دانشگاهها من خودم یک زمانی دانشجوی بودم، در جریانات دانشگاهی هم بودم، در جریانات ۶۸ وقتی کمیک جو ملاحظه می کنید وجود دارد بهترین فرم مقابله کردن با آن عبارت از این است که به جای مواجهه کردن به مقامات دانشگاهی برای حل فصل موضوعات منقول بشود به مقامات امنیتی، مقام وزارت کشور یک مقام امنیتی است رئیس شهربانی باید مشاهده بکنند راجع به امور دانشگاه! خود این کمیک جو وقت باشند روی یک آنتنی است کدر حال با این رفتن و غور کردن در است ما متأسر بسیار زیادی آنجا مقاومت کردیم که این منطقی نیست.

کند و در فروردین ماه ۵۹ شروع شد. برخوردهای تکریم و برخوردهای کدرستان بطور شدید عملاً " فروردین ماه ۵۹ شروع شد. اولین اعدام جدی وزیر امور خارجه عراق علیه جزایر خلیج فارس و عملاً اعدام جنگ سیاسی عراق به ما در دهان تاریخ شروع شد. اخراج ایرانیان مقیم عراق یا عراقیهای تابعیت مشخصی نداشتند شیعیان عراق به ایران در همان یکماه شروع شد و گسترش پیدا کرد. در ماههای فروردین اردیبهشت من بنا بر حوادثی مسئول اطلاعات و اخبار رادیو تلویزیون ایران بودم و اطلاعات و اخبار رادیو تلویزیون یک مملی است که از ابتدای انقلاب ما تا بحال فرزندترین محیطها بوده ۱۰ تا ۱۵ تأدیر اطلاعات و اخبار عمومی شده که اگر کسانی در آینده فرصت پیدا بکنند تاریخ تطویر این میدان اطلاعات و اخبار را مطالعه کنند یکی از بهترین قرینه ها و نشانه های تحولات قدرت از شروع انقلاب اسلامی تا زمان است محیط خبر محیطی است بسیار لایزال، نرفته، مایه مایه بیشتر محل هیوط تا محل صعود. هر کسی میورد آنجا میافتد، ساقط میشود و من چون در حال اطلاعات و اخبار بودم و کلیه اطلاعات و اخبار می آمد برخوردها و کشمکشهای بورس قدرت را به این ترتیب وجه خود می دیدم. خیلی خوب راجع به این دوره و تحولاتی که داشت اثری که "انقلاب فرهنگی" نامی خاص را دارم میگویم، دوران دوره داشت مدعی هستم میتوانم اظهار نظر بکنم: در آن مجموعه و در آن کشمکش منی صدر بعنوان رئیس جمهور تمام فریادش عبارت از این بود که باید حاکمیت دولت مستقر بشود، حاکمیت انقلاب مستقر بشود انقلاب دارد نظام قانونی باید برقرار شود و حاکمیت قانون برقرار شود امام هم فرمود که باید امنیت باشد و سال امنیت باشد در همان زمانی که در فروردین بنظر من ما عظیم ترین نظام را بعد از پیروزی انقلاب اسلامی را داشتیم اولین سالگرد جمهوری اسلامی، ۱۲ فروردینش اگر یادتان باشد بارانی می آمد، آن شد باران امتحان حتی شدیدتر و با وجود این چند نخل و فتنه زبیراتک، کمکی از آنها خارج بود، لایحهای آوردند و یک ستمگری برای وی برقرار کردند و چندین نفر زیر دست او شدند و از صبح تا عصر جمعیت همین طور موج میزد و جمعیت پایان ناپذیر بود. در آن شرایط و اوضاع و احوال عده ای آن چیزی که مدنظرشان نبود حاکمیت پیدا کردند و آن "دور دوم" انتخابات بود این بود که که مجلس بدهد نام می آید که "دور دوم" انتخابات یک بخشنامه های رساندن بهمین و گفتند این بخشنامه را بخوانید و باطله های وزارت کشور هم مشاهده بکنید بخشنامه می عبارت از این بود که چون محیط دانشگاه را نمیتوان در اختیار احزاب، دستجات، گروهها، جهت انجام برنامه های سیاسی قرار داد لذا خواهشمند است به مسئولین دانشگاهها دستور فرمائید از اجازت دادن به گروههای سیاسی به دستور عنوان برای برگزاری مراسم تبلیغات سیاسی خود داری کنند و وسایل موقوت قانون قرار بدهند در دانشگاهها من خودم یک زمانی دانشجوی بودم، در جریانات دانشگاهی هم بودم، در جریانات ۶۸ وقتی کمیک جو ملاحظه می کنید وجود دارد بهترین فرم مقابله کردن با آن عبارت از این است که به جای مواجهه کردن به مقامات دانشگاهی برای حل فصل موضوعات منقول بشود به مقامات امنیتی، مقام وزارت کشور یک مقام امنیتی است رئیس شهربانی باید مشاهده بکنند راجع به امور دانشگاه! خود این کمیک جو وقت باشند روی یک آنتنی است کدر حال با این رفتن و غور کردن در است ما متأسر بسیار زیادی آنجا مقاومت کردیم که این منطقی نیست.



بورسی وضع دانشجویان کشور بهنگام تعطیلی دانشگاهها

در اثر انقلاب فرهنگی

بعضی از سازمانها مجبور به استخدام افراد خارجی شده اند

بنام خدا

قریب به یکسال از تعطیلی دانشگاهها و مراکز عالی آموزشی کشور به بهانه انقلاب فرهنگی میگذرد در این مدت مقالات بسیار در روزنامهها نوشته و برنامههای رادیو و تلویزیونی بسیار در ضرورت یا عدم ضرورت انقلاب فرهنگی و تعطیل شدن دانشگاهها با چراغ درآمده است. اشخاص مختلف از جنبهها و دیدگاههای گوناگون انقلاب فرهنگی را بررسی نموده اند و راهحلهای مختلف مخصوصی در نحوه اجرا آن پیشنهاد شده است که اگر نتوانیم از آن بگذریم و در آن کوشش بسیار نشده است. آنچه در این بررسیها و تبادل نظرها هیچ به آن توجه نشده است و یا بسیار اندک در مد نظر بوده است همانا موقعیت و وضع زندگی نزدیک به ۲۰۰ هزار دانشجو بهنگام تعطیلی دانشگاههاست بخصوص که این موقعیت در رابطه با وضع باسازمان کشور و جنگ ایران و عراق بسیار حساستر شده است.

در این مقاله ابتدا بررسی کوتاهی از عملکرد ستاد انقلاب فرهنگی انجام داده و سپس به بررسی وضع دانشجویان کشور در این رابطه میپردازیم. سرشودت ۲۰۰ هزار دانشجو با بهتر بگوئیم یک نسل در مظاره جدی قرار گرفته است چرا که برای اکثر این دانشجویان که همیشه علیه هرگونه تبعیض و استثمار و سلطهگری و استبداد مبارزه میکردند و ۱۳۶۱ آنها را در پیوند با انقلاب فرهنگی حفظ کرده اند از چندین عضو ستاد انقلاب فرهنگی که سه نفر بصورت فعال در این ستاد فعالیت میکنند و بقیه اعضا یا استعفا داده اند یا اینکه بزرگسالیها را در این ستاد گمارده شده اند.

از دید بسیاری از صاحب نظران و دانشجویان بسیار بعید بنظر می رسد که این ۳ نفر بتوانند در فاصله زمانی کوتاه تمام برنامههای رسیده برای انقلاب فرهنگی را مورد رسیدگی قرار داده، بخصوص در مورد رشتههای تخصصی بتوانند برنامه جامعی تهیه و تصویب کرده و اجرا کنند. و همانطور که تا بحال نیز دیده ایم این شورا تا بحال هیچ بیلابی مشخصی از کار خود ارائه نداده است.

با اینکه بارها و بارها لزوم بازگشایی هرچه سریعتر دانشگاهها از طرف امام بخصوص در پیام نوروزی و رئیس جمهوری و دیگر شخصیتهای علمی و مملکتی مورد تأکید قرار گرفته است معذرا این شورا در برنامه تلویزیونی نوروز خود بعد از پیام امام، بازگشایی دانشگاهها را منوط به تهیه و تدارک یک برنامه مشخص اسلانی کرده است و اعلام داشته که در این کار اسلانی نباید عجله کرد. البته این شورا هیچ مشخص نکرده است که ضابطه برنامه دانشگاهی اسلانی چیست؟ معیار و سنج کدام است و در چه مدت زمان اینکار انجام خواهد رسید؟ برای رشتههای تخصصی اسلانی کردن چه معنایی میتواند داشته باشد و بالاخره تاوان این کمبودها و تقاضای زیاد متخصصان را چگونه پاسخ خواهند گفت؟ مگر نه این است که تا پیش از این جامعه تغییر نکرده انقلاب فرهنگی در دانشگاهها به تنهایی موقر نتواند باشد؟ مگر انقلاب فرهنگی فقط باید در سطح دانشگاه انجام گیرد؟ در دید بسیاری این عمل یک کار فریبیستی و رویتانی است و یا به تعبیر اسلانی علمی است حسنه و متضمن هیچ نوع عمل صالحه ای نیست.

بهرحال همانطور که در بالا مشخص کردید برای اکثریت دانشجویان این امر مسلم شده است که تعطیلی دانشگاهها نه بدلیل انقلاب فرهنگی که

بدلایی غیر از این صورت گرفته است. دلایل بسیاری در تأیید این موضوع وجود دارد. مثلا باید گفت که ضد و نقیض گوییهای مسئولین ستاد راجع به انقلاب فرهنگی، که نظریات اکثر آنان قبل و بعد از انقلاب چرخش ۱۸۰ درجه ای داشته است. برای مثال رجوع شود به کتاب انقلاب تکاملی اسلام نوشته آقای جلال الدین فارسی ص ۲۰ و ۲۱ و ۲۲ و نظریات ایشان راجع به انقلاب فرهنگی بعد از ۱۵ خرداد سال ۵۹ که در روزنامههای مختلف به چاپ رسیده است. از طرفی برای بازکردن دانشگاهها میگویند که هیچوجه تا تدوین یک برنامه کامل امکان اینکار وجود ندارد و حتی برای کسانی که با گذراندن یکترم فارغ التحصیل میشوند اینکار را عملی نمیدانند ولی در همان دانشگاه از طرف جهاد دانشگاهی و مدعای معرفی شده و دورههای ششماهه میبینند و مدعی هم میگردند و در نقاط مختلف بکار گرفته میشوند. مشخص نیست که این دیگر چه صیغافاست دانشجو نباید به دانشگاه بیاید و دانشگاه نباید باز باشد ولی برای اشخاص بخصوصی این امر انکالی ندارد.

از طرف دیگر بعلمت نیاز شدید در بعضی زمینهها بعضی از سازمانها مجبور به استخدام افراد خارجی شده اند مثلا وزارت کشاورزی باخرط کمبود دامپزشک اجازه استخدام ۵ دامپزشک هندی را در سال ۵۹ صادر کرده است در حالیکه در همان سال با بازکردن ترم آخر دانشگاه دامپزشکی که حداکثر ۳ یا ۴ ماه طول میکشد لاقال ۴۰۰ الی ۵۰ نفر دکتر دامپزشک فارغ التحصیل میشدند. زمینهای ذکر شده بالاست که این ظن را تقویت میکند که باین زودبیا نباید منتظر بازگشایی دانشگاه بود بهرحال این مختصر بود راجع به آنچه بنام انقلاب فرهنگی در شرف انجام یافتن است.

در مورد وضعیت دانشجویان کشور باید گفت که طبق آمار موجود در ایران کلیه دانشگاهها و مدارس عالی و دیگر مراکز رقی در حدود ۲۰۰ هزار دانشجو رازیر پوشش خود دارند که با تعطیل شدن دانشگاهها کلیه آنها بدون این طرح مشخصی برای بکارگیری به امان خدا در کشور رها شده اند. بطور کلی وضعیت اجتماعی دانشجویان در هنگام تعطیلی بسیار اسف انگیز است و از این تعداد دانشجو اکثرا یکبار هستند که در این رابطه میتوان دانشجویان را به ۴ دسته مختلف تقسیم کرد:

- ۱- دانشجویان شاغل
- ۲- دانشجویانی که با جهاد سازندگی و جهاد دانشگاهی همکاری دارند.
- ۳- دانشجویان با بیکاری پنهان
- ۴- دانشجویان بیکار، که در زیر هر کدام از این ۴ دسته را جداگانه بررسی میکنیم:

۱- دانشجویان شاغل

در مورد این دسته از دانشجویان باید گفت که حداکثر تعداد ۱۰٪ کل دانشجویان شاغل هستند که رقی در حدود ۲۰-۳۰ هزار دانشجو تشکیل میدهند این دانشجویان به ۲ گروه تقسیم میشوند: ۱- دانشجویانی که کاری در رابطه با رشته تحصیلی خود دارند، ۲- دانشجویانی که باالچهار کاری را پیدا کرده اند.

در مورد دانشجویان گروه اول باید گفت که در مجموع بین ۱ تا ۱۵ درصد دانشجویان را تشکیل میدهند که با تلاش شخصی و یا آشنایی با اشخاص کار مربوط به رشته تحصیلی خود نمیتوانند. البته این دانشجویان بدلیل فقدان مدرک نمیتوانند از ضوابط استخدامی کشوری برخوردار شوند حتی اگر در سال آخر دانشگاه باشند و فوق العاده هم در کار خود تبحر داشته

باشند بعلمت مدرکگرایی و دیگر ضوابط غلط مورد ملاک در جامعه یک سرخوردگی و عقده در آنها بوجود میاید و همینکه مدرک خود را گرفتند در پی جبران فرصتهای از دست رفته برمیآیند کاین امر برای جامعه انقلابی ما پس از انقلاب پیامدهای خوبی نخواهد داشت.

در مورد گروه دوم باید گفت که تعداد آنها از گروه اول بیشتر است کار افراد این گروه در رابطه با رشته تحصیلی نبوده و بسته به فرصتی که برای کار پیدا شده است شغل این دانشجویان نیز متغیر است. مثلا یک نفر که در دانشگاه ادبیات تحصیل میکند بکار حسابداری یا یک نفر که در گروه پزشکی تحصیل میکند بکار تدریس اشتغال دارد و قس علیهذا. باید انعام کرد که این امر هم برای دانشجویان و هم برای مملکت مایسار زیان آور است. بدلیل آنکه اول دانشجویان چون اینگونه کارها را موقت تلقی میکنند دلگرمی و اشتیاق لازم را در انجام کار بخرج نمیدهند و اینکارها برای آنها منبع درآمد و بطور کلی خالی نبودن عریضه است. دوم، باید گفت که گسستگی که در رشته تحصیلی آنها بوجود میاید و مشخص نیست که چه مدت طول خواهد کشید باعث فراموش شدن بسیاری از دروس بخصوص در رشتههای تخصصی خواهد گردید که زبان آن مستقیما متوجه مردم و مملکت خواهد بود.

در هر صورت برای دانشجویان شاغل چون کارشان موقتی است مسلما نتیجه کار آنطور که باید و شاید نخواهد بود در حالیکه در جامعه انقلابی و جمهوری نوپای ما شایسته و بجاست که تمام کارها و ریشهای انجام گیرد تا نتیجه بهتر و جالبتری حاصل گردد.

۲- دانشجویانی که با جهاد سازندگی و جهاد دانشگاهی همکاری دارند

در ابتدای شروع کار جهاد سازندگی، نه تنها اکثریت دانشجویان بلکه قشر وسیعی از مردم بصورت خودجوش به همکاری با این نهاد پرداختند کارهای عظیم آن در بهسازی و راه جامعه بخصوص در سطح روستاها بسیار ملموس و عینی بود. مردم و دانشجویان دیگر در این جهت متنا نداشتند همه بصورت فراگیر بخدمت این ارگان زائیده انقلاب در آمدند. اما پس از مدتی باتمام سعی و کوششی که نیروهای اصیل انقلاب در دور نگهداشتن این نهاد از انحصار طلبیها و بهره گیریهای فردی و گروهی و حزبی داشتند، نتوانستند این ارگان را از این خطر حفظ کنند. بهرور با نفوذ جنبه و طرز تفکر خاص در این ارگان و نظر به بهره رسانی که از بعضی از کارهای انجام شده بنفع خود کردند تعداد افرادی علاقمند بکار در جهاد کاهش یافت. انحصار طلبیها، دستمزد بندی بنفع اشخاص و گروهها، تقبیض عقاید وضع جهاد سازندگی در رابطه با همکاری دانشجویان بنحوی در آورده که هم اکنون برحمت میتوان گفت با اینکار اکثریت دانشجویان بیکارند فقط حدود ۱۰٪ از دانشجویان با جهاد سازندگی همکاری میکنند. در حالیکه در ابتدای کار جهاد سازندگی بیش از ۸۰- درصد دانشجویان با این نهاد همکاری میکردند. شاهدی بر گفته های بالا، آنست که در ابتدای تاسیسات سال ۵۹ که تعدادی از دانشجویان برای همکاری به جهاد مرکز مراجعه کردند با پرسشنامههایی روبرو شدند که در آنها به بدترین نحو از دانشجویان تقبیض عقاید شده بود که این کار مخالف اصل ۲۳ قانون اساسی بود (بزرگه های مربوط ضمیمه است) بسیاری از دانشجویان که از این نحوه برخورد بسیار ناراضی بودند و فقط صادقانه میخواستند به محرومان

کثرت خدمت کنند بقدری از این اعمال ناراحت شدند که جهاد را ترک کرده و دیگر پشت سر خود را هم نگاه نکردند.

بتمریخ آنها که باید میماندند رفتند و تازه اگر باز هم دانشجویانی بودند که با همه این شرایط حاضر بهمکاری بودند مسئولان جهاد بیکار ننشسته و بلافاصله با انجمن اسلامی دانشگاهها تماس گرفته و در صورتیکه تفکر شخص مورد نظر با آنها در یک مسیر نبود حاضر بهمکاری با وی نمیشدند. بهرحال این عده هم نتوانستند با جهاد همکاری داشته باشند. بگذریم از آنها که بعلمت مشکلات مالی و با فرصت طلبی و غیره در جهاد ماندند.

در مورد دانشجویانی که با جهاد دانشگاهی همکاری میکنند باید گفت که تعداد آنها فوق العاده کم است و بدلیل مشروحه بالا و کانالیزه کردن انتخاب افراد اصولا تعداد زیادی دانشجویان با جهاد دانشگاهی همکاری ندارند و بعلمت تعداد کم آنها، در محاسبه ما جایی ندارند. بهرحال دانشجویانی که در زمان تعطیلی دانشگاهها به جهاد سازندگی دلخوش کرده بودند امیدهایشان به پاس تبدیل گشت وتوده مستقیم و محروم جامعه ما از نیروی عظیم و خلاق و سازنده این دانشجویان بی بهره ماند.

۳- دانشجویان با بیکاری پنهان

بسیاری از دانشجویان بعلمت ناکافی بودن درآمدهای شخصی به هنگام تحصیل مجبورند کار کنند تا از این راه هم امکان ادامه تحصیل داشته باشند وهم بتوانند مخارج خود و خانواده شان را تأمین کنند. بعد از انقلاب بدلیل عوارض آن بسیاری از دانشجویان ماندند. بعد از بستن دانشگاه این دسته از دانشجویان همواره با دیگر دانشجویان به خیل بیکاران اضافه شدند. این دانشجویان که برای تهیه وسایل معیشت از یافتن کار مناسب ناامید شده بودند بناچار برای درآوردن نان بخور و نمیری مجبور شدند بهرکاری دست بزنند. برای ثابت شدن این قضیه کفایت که سری به روبروی دانشگاه یا دیگر باسطهای کناره پنهانها بزنید، اکثریت آنها را دانشجویان تشکیل میدهند که از کار کفاف روشی که برترین آنهاست تا نوار و سیگار و تخمه و پسته و چراغ قوه و غیره مشغولند. کارهایی که حتی شاید احتیاج به یک کلاس سواد هم نداشته باشد. تازه هرروز هم از طرف شهرداری و دیگر ارگانها تهدید میشوند که باستان را جمع کنید که اگر نکنید فلان وبهمان میکنیم. بعد از هراقبالی جوانان دانشجو را برای تحقق بیشتر آرزوهای انقلاب بخدمت میگردند ولی دست اندرکاران مملکت ما با انجام کاری بدون هدف دانشجویان را به کارهایی وادار نموده اند که در شرایط عادی هیچ فردی به آن کارها تن نمی دهد.

بله مثلا دانشجویان فلان رشته گروه پزشکی و مهندسی و یا حقوق، بکار بسته و جوارب فروشی کنار خیابان پرداخته است تا گذران زندگی کند. مطابق کار منتشره هردانشجوی پزشکی یا دندانپزشکی و دامپزشکی هر سال حدود ۱۵۰ هزار تومان برایشان خرج میشود که دانشجویان سال آخر این رشته شاید بیش از یک میلیون تومان خرجشان شود. باشد، ولی همین شخص مجبور است برای امرای معاش کنار خیابان کاغذاستار نور بفروشد. واقعا که دست مرزبان.

۴- دانشجویان بیکار

شاید بیش از ۷۰ درصد دانشجویان هم اکنون در سراسر کشور بیکار باشند. این عده نتوانستند کار پیدا کنند و در جهاد سازندگی و دیگر ارگانها هم راهی نیافتادند. رقم ۷۰ درصد یعنی تعدادی حدود ۱۵۰ هزار دانشجو هم اکنون در سراسر کشور بیکارند. بعلاوه به این

اطلاعیه دفتر هماهنگی همکاریهای مردم بازائیس جمهور (تهران)

بنام خدا
بدنبال برگزاری نخستین هفته بررسی بحران دانشگاهها و مدارس عالی اینک به اطلاع دانشگاهیان و صاحب نظران عالی میرساند که کمیسیونهای راهیابی درباریه نظام آموزشی، رئیس جمهور - تهران نظام اداری، برخورد اندیشه در دانشگاه و علاقه مندان امور آموزش عالی میرساند که

۱۵۰ هزار دانشجو باید حدود ۵۰۰ هزار جوان دیلمه که پشت کنکورند افزوده شود که نتوانستند با ارسال امتحان دهند و تعدادی هم امسال به جواتان پشت کنکوری اضافه خواهد شد.

عواقب وخیم بیکاری برهیچکس پوشیده نیست. رواج انواع اعتیاد، انحطاط فری، سرگردیهای مبتذل، خشکی روحی، احساس پوچی، اینها تمام زمینههای است که می تواند علاوه بر آنکه جوانان را به جمهوری اسلامی بدهد کند زمینه ساز انواع انحرافات مختلف نیز باشد.

با بررسی کوتاه و ناقصی که انجام یافت، باید گفت که اگر از رشتههای دانشگاهی موجود ۵۰ درصد آنها تخصصی باشد مشخص میگردد که از ۱۵۰ هزار دانشجو بیکار حدود ۷۵ هزار نفرشان در رشتههای تخصصی تحصیل میکنند که اگر در هر سال یک پنجم آنها فارغ التحصیل میشوند امسال باید حدود ۱۵- هزار متخصص در زمینههای مختلف فارغ التحصیل میشدند که اگر اینها روزی ۸ ساعت برای این مملکت کار کنند رقیبی حدود ۱۲۰ هزار ساعت کار این محاسبه از هفتاد و نهم بقیه که همگدا مندی دربرت فارغ التحصیل میشوند و آنها هم همین مقدار را در روز از دست داده اند میگردیم.

بهرحال نیروی کار ۱۵۰ هزار جوان یعنی روزی ۱۲۰۰ یک میلیون و دوست هزار ساعت انرژی جوانی این مملکت باد هوا میگردند. حال باید پرسید مملکتی با موقعیت ما که بعد از انقلاب با رفتن متخصصین خارجی و فرار دادن متخصصین داخلی، صنایع خودش احتیاج فراوان باین جوانان دارد آیا باید این خیل عظیم انرژی را این چنین بهدر دهد؟ در قبال بدست آوردن چیزی که هیچ کس نمی داند چیست و چه خواهد شد؟ آیا نتیجه مطلوب عاید خواهد شد یا بقولی پس از مدتی برای خالی نبودن عریضه چند جلد کتاب ترجمه شده را بعنوان انقلاب فرهنگی بخورد مردم و دانشجویان داده و سرتوته قضیه را بهم میآورند.

بهوش باشیم مملکت ما امروز در وضعی نیست که این چنین به جوانانش پشت کند و به سرشودت نسل جوانش این چنین بی اعتنا باشد. ظرفیت تحمل جوانان از یک طرف و نیاز شدید مملکت به کار و تخصص از طرف دیگر ایجاب میکند که هرچه زودتر دانشگاهها بازگشایی شود که دانشگاهها می توانند بهترین پشت جبهه برای مناطق جنگی باشند و دانشجویان می توانند دانشگاه را به بهترین وجه در خدمت جنگ قرار دهند. بر مسئولین ستاد انقلاب فرهنگی است که به پیام امام توجه کنند و مسائل مملکتی را بر مسائل گروهی و شخصی ترجیح دهند که صلاح مملکت و ملت در است، باشد که بزودی شاهد پیروزیهای همجانبه در تمام شئون مملکتی باشیم انشاء الله.

بیک خواننده

۱۵	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
۱														
۲														
۳														
۴														
۵														
۶														
۷														
۸														
۹														
۱۰														
۱۱														
۱۲														
۱۳														
۱۴														
۱۵														

خوردنی - شهرنار - شاعر نامدار هندی و برنده جایزه نوبل ۱۲ - وجود دارد - فرق دوست و دشمن را میشکافد - شهری در ایران - نزدیک تهران است - برای چهار من تبریز - شهری در استان بلوچستان - از قهرمانان اساطیری یونان ۱۴ - جامش را سقراط سرنگید اما از عقیده خود برنگشت - نوعی ماشین مقدس - مولد انرژی ۱۵ - باغ و گلزار - از کرتاربیهای اقتصادی که موجب بالارفتن قیمتها میشود - مرغوب و گرانبها.

جدول شماره قبیل

۱۵	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
۱														
۲														
۳														
۴														
۵														
۶														
۷														
۸														
۹														
۱۰														
۱۱														
۱۲														
۱۳														
۱۴														
۱۵														

رهبری اجتماعی به استثمار تودهها کوتاهی نمی نماید.

آیا این اصل و قاعده نیز بر نومانکلاتورا صادق است؟ برای پاسخ به این سؤال بایستی در موضوع اقتصاد سیاسی در "سوسیالیسم - قلی امان نظر کنیم. البته موضوع عبارت از "اقتصاد سیاسی در سوسیالیسم" بدان گونه که در درس اجباری دانشگاهی شوروی تدریس می شود، نمی باشد. گفته مارکس در مورد درس درس دانشگاهی نیز صدق نمی نماید: "صلاح کامل طبقات مسلط در این حالت این است که این ایهام و خلا فکری را دانشی نمایند، وگرنه چرا بایستی سخن چین های وراجی را احیاء نمایند که جز تأیید این مطلب که در اقتصاد سیاسی مطلقا تفکر و اندیشه ممنوع می باشد، استدلال علمی دیگری برای ارائه ندارند؟"

هر چند که بر طبق نظریه لنین، اقتصاد سیاسی یکی از سه عنصر مرکب مارکسیسم می باشد، معذرا پیروزی مارکسیسم در یک ششم سطح ارض باعث پیروزی علم اقتصاد مارکسیستی نشده و برعکس بیوجه موقفیتی در اقتصاد سیاسی بدست نیامده است، باوجود دستورات استالین و انتشار اثرش "مسائل اقتصاد سوسیالیسم در اتحاد شوروی" فقط پس از مرگ استالین در سال ۱۹۵۳، امکان آن پیدا شد که کتاب درسی اقتصاد سوسیالیسم یعنی پایه درس علمی عجبی که هر تشری پرت و پلاگوتی بی عمل و عشق است به چاپ برسد.

ما کوششی در تجزیه و تحلیل آن نداریم زیرا دانشمندان غربی به این کار پرداختند و ما تو هم از نظر دیگری این کار را کرده است. در اینجا به بعضی مطالب واقعی، و نه خیالی، در باب اقتصاد سیاسی سوسیالیستی قلی می پردازیم:

۱- مالکیت سوسیالیستی و مالکیت دستجمعی نومانکلاتورا - ماده ۱۰ قانون اساسی شوروی اعلام می دارد: "سیستم اقتصادی اتحاد شوروی بر اساس مالکیت سوسیالیستی وسایل تولید بشکل مالکیت دولتی (و تمام مردم) و مالکیت گلوزی و تعاونی قرار دارد. اموال ستدیکها و سایر سازمانهای اجتماعی، که برای تحقق فعالیت های قانونی و اساسنامه های خود لازم دارند، نیز تحت مالکیت سوسیالیستی می باشند.

این قواعد هرگز قانع کننده نمی باشند، نه تنها به سبب بیکان نمودن مالکیت دولتی و مالکیت همه مردم بلکه هیچ صراحت و دقتی در باره خصوصیات عمومی که از این عناصر مختلف انجمن چیز واحدی بنام "مالکیت سوسیالیستی" ساخته می شود وجود ندارد.

زیادی بعمل آورد با گامهای سریع تمام مراحل شغل آکادمی را طی نمود و بالاخره به سردهبیری روزنامه "آمریکای لاتین" منصوب شد و از این طریق وزوش در نومانکلاتورا کمیته مرکزی تضمین گردید. آنتالوی پسر گرومیکو، پس از آنکه چند سالی را در استستوتوی انزونی و کانادا وابسته به آکادمی علوم گذرانید غفلتا به مقام (نومانکلاتورا) نماینده شوروی در واشنگتن و سپس مشاور سفارت در آلمان شرقی رسید و بعد به مدیریت استستوتوی آفریقای آکادمی علوم نائل آمد، هر چند که هرگز اطلاعاتی در باره آفریقا نداشته است. این مقام جزئی از نومانکلاتورا دبیرخانه کمیته مرکزی است.

نظری به واسیلی استالین، جوان الکلیک، بیانداریم که در سن کمتر از سی سالگی با درجه سرتیپی فرمانده نیروی هوایی ناحیه نظامی مسکو شد، داماد خروشچف، سردبیر دومین روزنامه اتحاد شوروی، ارگان رسمی حکومتی، ایوستیایا که با همین مقام به عضویت کمیته مرکزی درآمد، همینطور داماد یولوتف که از شکل حقیر معاونت دانشگاه به ریاست اداره کل ارگان سیاسی و تئوریک کمیته مرکزی حزب بنام کمونیست (در این زمان یولوتویک نامیده می شد) ارتقاء یافت.

امکان آن هست که نمونه های بیشتری بدست دهیم، ولی لزومی ندارد، آنچه شرح داده شد مستندات نیست، بلکه قاعده ای است. اطلاق دبیران حزب کارگر از آب در نمی آید مگر در داستانهای مقدس ما یانه واقعیت سوسیالیسم "در سوسیالیسم قلی، آنان خود به خود در دستگاه حزب یا در هیئت سیاسی وارد می شوند، برای کسانی که شکی در این باره دارند بسیار مشکل است نمونه های از کودکان خانوادده نومانکلاتورا را نقل قول نمایند که جای دیگری غیر از یک مقام نومانکلاتورا یا ازادای با یک نفر از طبقه نومانکلاتورا اشتغال نمایند.

بیش از پیش آشکار است که طبقه مسلط اتحاد شوروی از خود تولید مثل نمی نماید. راست است که تمام خودشان موروثی نمی باشد، ولی تعلق به طبقه نومانکلاتورا علاوه خوبی موروثی است.

"زما نمی پرسند: سرمایه داری عبارتست از استثمار فردا ز فرد ولی سوسیالیسم چیست؟... ما جواب می دهیم: سوسیالیسم عکس آن است!"

تاریخ برای ما این موضوع را تأیید می کند که طبقه مسلط همیشه و در هر زمان طبقه استثمار کننده بوده است: انگلیس در این باره می نویسد: "بنابر این قانون تقسیم کار اساسی و پایه تقسیم طبقات می باشد... طبقه مسلط بیکار که بر مسند قدرت نشست از استثمار تسلط خود به زیان طبقه کارگر و تبدیل

نومان کلاتورا

صاحب امتیازان
در
اتحاد شوروی
میخائیل ولسکی
ترجمه
غلام ضا وثیق

این استدلال قابل قبول نیست زیرا خاصیت موروثی مسئولیتها الزاما ضابطه طبقه نمی باشد، بنابراین در تعریف مفهوم طبقه وارد نشده است. بدین طریق طبقه کارگر که در عصر صنعتی شدن ظاهر گردیده است، دهقانان را جلب و جذب می نماید معینا طبقه ای را تشکیل می دهد.

ولی مسئله دیگری هم مطرح است. هدف هر طبقه مسلط در جریان استحکام یافتن بر این است که امتیازات خود را به فرزندان خویش منتقل کند، یعنی از خود تولید مثل نماید و بهر وسیله که شده است از ورود افراد جدید به ممانعت بعمل آورد. و این همان چیزی است که قلا در نومانکلاتورا شوروی انجام می پذیرد. اغلب افراد طبقه نومانکلاتورا در عصر زرف و در زمان جنگ به کار فراخوانده شدند. جماعت صاحبان مقام قلی اتحاد شوروی فرصت کافی داشتند که کودکان را تربیت نمایند و آنان امروز به سنی رسیده اند که خود از طبقه نومانکلاتورا بشوند. بعدها باز کودکانشان که دائم در تزیاید می باشد به سنی خواهند رسید که این تزیاید برزف به سمت بخور نهند: پس تزیاید برزف به سمت معاون اول وزارت بازرگانی خارجی منصوب شد تاکنون در ضبوطات فقط یکی از معاملات بین المللی اش را یازگو کرده اند: هنگامیکه در پاریس، از ناخشنودانه های "کری هورس" غرق شغف و دلباخته می شود، یک اسکانس صدلاری یعنی معادل نصف درآمد ماهیانه یک کارگر شوروی به پیشنهادت انجام می دهد. غلظتهای شوروی مرکز متافع لودمیلا دختر جدی و قابل کامیجین، متفازت است. اما تاکنون تبادل زیادی به کامیجانه آن نداشته است، چیزی که مانع از آن شد که در مقام نومانکلاتورا مدیریت کتابخانه دولتی ادبیات بیگانه در سنو گذاشته شود. پس میگویان در زیرچشمان من به توفیق دست یافت و بدون آنکه کوش

کارنامه رئیس جمهور

در جهان غولها واحدهای کوچک محکوم به فنا هستند، محکوم به زیر سلطه رفتن و ماندن هستند، پس اگر ایران اسلحه‌ها کنار بگذارد تا هم به اجرای قانون بپردازیم همه خواهند دید که دشمنها و خونریزیها و فلج کردن نیروهای مسلح ما در وقتیکه بیاییم خارج می‌شویم...

برادران و خواهران کرد من، بدانید که ما میخواهیم یک جمهوری اسلامی باشیم و همه را متحد کنیم. ما از کرد و ترک و عرب و ایلیان بیزار نیستیم بلکه یکی هستیم... ما از این جنگ درگیر کردیم تا دشمن از فرصت استفاده کند و به کشور ما حمله بیاورد...

ما دانشگاهیان هم حدود دو ساعت صحبت شد، آنها از رفتاری که با دانشگاهیان می‌شود، مشکلاتی که ایجاد شده است، سختی وضع و اینکه افتتاح مجدد دانشگاه با آسانی ممکن نیست و ضرورتی است که از بسته بودن این دانشگاهها متوجه کشور می‌شود...

توجه به واقعیتها: جامعه شهر سخنانی در شرح جنگ تحمیلی نماینده رئیس جمهوری در سخنرانی خود به مناسبت تولد حضرت امیر (ع) به زندگی سراسر مبارزه و استقامت امیرمؤمنان در دست بگیرند...

توجه به واقعیتها: جامعه شهر سخنانی در شرح جنگ تحمیلی نماینده رئیس جمهوری در سخنرانی خود به مناسبت تولد حضرت امیر (ع) به زندگی سراسر مبارزه و استقامت امیرمؤمنان در دست بگیرند...

توجه به واقعیتها: جامعه شهر سخنانی در شرح جنگ تحمیلی نماینده رئیس جمهوری در سخنرانی خود به مناسبت تولد حضرت امیر (ع) به زندگی سراسر مبارزه و استقامت امیرمؤمنان در دست بگیرند...

توجه به واقعیتها: جامعه شهر سخنانی در شرح جنگ تحمیلی نماینده رئیس جمهوری در سخنرانی خود به مناسبت تولد حضرت امیر (ع) به زندگی سراسر مبارزه و استقامت امیرمؤمنان در دست بگیرند...

توجه به واقعیتها: جامعه شهر سخنانی در شرح جنگ تحمیلی نماینده رئیس جمهوری در سخنرانی خود به مناسبت تولد حضرت امیر (ع) به زندگی سراسر مبارزه و استقامت امیرمؤمنان در دست بگیرند...

تصمیم اخلاقی شد که آنها راه نمی‌توانیم با خوانندگان در میان بگذاریم. در این شب تلگرافی از آقای شیخ‌علی تهرانی می‌شود و خطاب به فرستاده شده بود خواندم که در آن آمده است: "ما گفتیم با همکاری دولت مخالفت می‌کنیم و می‌ایستیم و استقامت می‌کنیم..."

توجه به واقعیتها: جامعه شهر سخنانی در شرح جنگ تحمیلی نماینده رئیس جمهوری در سخنرانی خود به مناسبت تولد حضرت امیر (ع) به زندگی سراسر مبارزه و استقامت امیرمؤمنان در دست بگیرند...

توجه به واقعیتها: جامعه شهر سخنانی در شرح جنگ تحمیلی نماینده رئیس جمهوری در سخنرانی خود به مناسبت تولد حضرت امیر (ع) به زندگی سراسر مبارزه و استقامت امیرمؤمنان در دست بگیرند...

توجه به واقعیتها: جامعه شهر سخنانی در شرح جنگ تحمیلی نماینده رئیس جمهوری در سخنرانی خود به مناسبت تولد حضرت امیر (ع) به زندگی سراسر مبارزه و استقامت امیرمؤمنان در دست بگیرند...

توجه به واقعیتها: جامعه شهر سخنانی در شرح جنگ تحمیلی نماینده رئیس جمهوری در سخنرانی خود به مناسبت تولد حضرت امیر (ع) به زندگی سراسر مبارزه و استقامت امیرمؤمنان در دست بگیرند...

توجه به واقعیتها: جامعه شهر سخنانی در شرح جنگ تحمیلی نماینده رئیس جمهوری در سخنرانی خود به مناسبت تولد حضرت امیر (ع) به زندگی سراسر مبارزه و استقامت امیرمؤمنان در دست بگیرند...

توجه به واقعیتها: جامعه شهر سخنانی در شرح جنگ تحمیلی نماینده رئیس جمهوری در سخنرانی خود به مناسبت تولد حضرت امیر (ع) به زندگی سراسر مبارزه و استقامت امیرمؤمنان در دست بگیرند...

توجه به واقعیتها: جامعه شهر سخنانی در شرح جنگ تحمیلی نماینده رئیس جمهوری در سخنرانی خود به مناسبت تولد حضرت امیر (ع) به زندگی سراسر مبارزه و استقامت امیرمؤمنان در دست بگیرند...

مبلغی اسلامی در اجتماع مردم بجنورد: جمهوری اسلامی وقتی عینیت می‌یابد که رفتار و کردار همه چون رهبران عظیم‌الشان اسلام باشد

تصویب قرار گرفت و عملی شد. وی آنگاه به کیفیت شورا پرداخت و ادامه داد شورا این نیست که در فلان کارخانه در فلان قسمت چند نفر دور هم جمع شوند و قیم بقیه گردند...

توجه به واقعیتها: جامعه شهر سخنانی در شرح جنگ تحمیلی نماینده رئیس جمهوری در سخنرانی خود به مناسبت تولد حضرت امیر (ع) به زندگی سراسر مبارزه و استقامت امیرمؤمنان در دست بگیرند...

توجه به واقعیتها: جامعه شهر سخنانی در شرح جنگ تحمیلی نماینده رئیس جمهوری در سخنرانی خود به مناسبت تولد حضرت امیر (ع) به زندگی سراسر مبارزه و استقامت امیرمؤمنان در دست بگیرند...

توجه به واقعیتها: جامعه شهر سخنانی در شرح جنگ تحمیلی نماینده رئیس جمهوری در سخنرانی خود به مناسبت تولد حضرت امیر (ع) به زندگی سراسر مبارزه و استقامت امیرمؤمنان در دست بگیرند...

توجه به واقعیتها: جامعه شهر سخنانی در شرح جنگ تحمیلی نماینده رئیس جمهوری در سخنرانی خود به مناسبت تولد حضرت امیر (ع) به زندگی سراسر مبارزه و استقامت امیرمؤمنان در دست بگیرند...

توجه به واقعیتها: جامعه شهر سخنانی در شرح جنگ تحمیلی نماینده رئیس جمهوری در سخنرانی خود به مناسبت تولد حضرت امیر (ع) به زندگی سراسر مبارزه و استقامت امیرمؤمنان در دست بگیرند...

توجه به واقعیتها: جامعه شهر سخنانی در شرح جنگ تحمیلی نماینده رئیس جمهوری در سخنرانی خود به مناسبت تولد حضرت امیر (ع) به زندگی سراسر مبارزه و استقامت امیرمؤمنان در دست بگیرند...

توجه به واقعیتها: جامعه شهر سخنانی در شرح جنگ تحمیلی نماینده رئیس جمهوری در سخنرانی خود به مناسبت تولد حضرت امیر (ع) به زندگی سراسر مبارزه و استقامت امیرمؤمنان در دست بگیرند...

نگاهی مغرضانه بر «چشم‌انداز»

چندی پیش مطلبی در ستون چشم‌انداز روزنامه انقلاب اسلامی تحت عنوان «چشم‌انداز» چاپ شد که متأسفانه در آن مسائل عنوان شده در «چشم‌انداز انقلاب اسلامی» بطرز بسیار مغرضانه تحریف گردید.

توجه به واقعیتها: جامعه شهر سخنانی در شرح جنگ تحمیلی نماینده رئیس جمهوری در سخنرانی خود به مناسبت تولد حضرت امیر (ع) به زندگی سراسر مبارزه و استقامت امیرمؤمنان در دست بگیرند...

توجه به واقعیتها: جامعه شهر سخنانی در شرح جنگ تحمیلی نماینده رئیس جمهوری در سخنرانی خود به مناسبت تولد حضرت امیر (ع) به زندگی سراسر مبارزه و استقامت امیرمؤمنان در دست بگیرند...

توجه به واقعیتها: جامعه شهر سخنانی در شرح جنگ تحمیلی نماینده رئیس جمهوری در سخنرانی خود به مناسبت تولد حضرت امیر (ع) به زندگی سراسر مبارزه و استقامت امیرمؤمنان در دست بگیرند...

توجه به واقعیتها: جامعه شهر سخنانی در شرح جنگ تحمیلی نماینده رئیس جمهوری در سخنرانی خود به مناسبت تولد حضرت امیر (ع) به زندگی سراسر مبارزه و استقامت امیرمؤمنان در دست بگیرند...

توجه به واقعیتها: جامعه شهر سخنانی در شرح جنگ تحمیلی نماینده رئیس جمهوری در سخنرانی خود به مناسبت تولد حضرت امیر (ع) به زندگی سراسر مبارزه و استقامت امیرمؤمنان در دست بگیرند...

توجه به واقعیتها: جامعه شهر سخنانی در شرح جنگ تحمیلی نماینده رئیس جمهوری در سخنرانی خود به مناسبت تولد حضرت امیر (ع) به زندگی سراسر مبارزه و استقامت امیرمؤمنان در دست بگیرند...

توجه به واقعیتها: جامعه شهر سخنانی در شرح جنگ تحمیلی نماینده رئیس جمهوری در سخنرانی خود به مناسبت تولد حضرت امیر (ع) به زندگی سراسر مبارزه و استقامت امیرمؤمنان در دست بگیرند...

چشم‌انداز انقلاب اسلامی

نتیجه دلخواه در تجزیه و تحلیل مسائل اجتماعی و رد نظرات افکار دگرگان و انبیاات تئورهای خود گرفته میشود. بکار دیگر «چشم‌انداز» مورد بحث راهبرها یا صاحب فداانان اکثريت به چاپ می‌رساند تا خوانندگان عزیز خود با مقایسه این دو مطلب نمونه جسمی از روشی که از آن‌ها بدست آورند.

توجه به واقعیتها: جامعه شهر سخنانی در شرح جنگ تحمیلی نماینده رئیس جمهوری در سخنرانی خود به مناسبت تولد حضرت امیر (ع) به زندگی سراسر مبارزه و استقامت امیرمؤمنان در دست بگیرند...

توجه به واقعیتها: جامعه شهر سخنانی در شرح جنگ تحمیلی نماینده رئیس جمهوری در سخنرانی خود به مناسبت تولد حضرت امیر (ع) به زندگی سراسر مبارزه و استقامت امیرمؤمنان در دست بگیرند...

توجه به واقعیتها: جامعه شهر سخنانی در شرح جنگ تحمیلی نماینده رئیس جمهوری در سخنرانی خود به مناسبت تولد حضرت امیر (ع) به زندگی سراسر مبارزه و استقامت امیرمؤمنان در دست بگیرند...

توجه به واقعیتها: جامعه شهر سخنانی در شرح جنگ تحمیلی نماینده رئیس جمهوری در سخنرانی خود به مناسبت تولد حضرت امیر (ع) به زندگی سراسر مبارزه و استقامت امیرمؤمنان در دست بگیرند...

توجه به واقعیتها: جامعه شهر سخنانی در شرح جنگ تحمیلی نماینده رئیس جمهوری در سخنرانی خود به مناسبت تولد حضرت امیر (ع) به زندگی سراسر مبارزه و استقامت امیرمؤمنان در دست بگیرند...

توجه به واقعیتها: جامعه شهر سخنانی در شرح جنگ تحمیلی نماینده رئیس جمهوری در سخنرانی خود به مناسبت تولد حضرت امیر (ع) به زندگی سراسر مبارزه و استقامت امیرمؤمنان در دست بگیرند...

توجه به واقعیتها: جامعه شهر سخنانی در شرح جنگ تحمیلی نماینده رئیس جمهوری در سخنرانی خود به مناسبت تولد حضرت امیر (ع) به زندگی سراسر مبارزه و استقامت امیرمؤمنان در دست بگیرند...

توجه به واقعیتها: جامعه شهر سخنانی در شرح جنگ تحمیلی نماینده رئیس جمهوری در سخنرانی خود به مناسبت تولد حضرت امیر (ع) به زندگی سراسر مبارزه و استقامت امیرمؤمنان در دست بگیرند...

زینب فریاد آتشین، پیام آور عاشورا

زینب قامت زبانی سرخ بود که در ادامه حرکت کاروان خونبار، پرچم سبز نهضت تاریخی انبیا را با اهتزاز دیرینه خویش برافراشت. چه زیباست صحنه ای می یابد و به نمایش گذارده می شود آنهم یک انقلاب با تمامی وجودش با تمامی عق و ریاضت و قداست و به سرچاهی این تمام ماجرا نیست و حسامه در اینجا پایان نمی پذیرد. این چشمه در جانی دیگر سر باز میکند. زینب بار دیگر صحنه را به نمایش گذاشته شکه مافوق بشری آنرا به گونه ای جزید عینیت می بخشد. آری اینک انقلابی که در تمام طول تاریخ تداوم داشته و انبیا دست بدست آنرا به وراثت به یکدیگر سپرده اند، اینک این انقلاب در تمامی ابعاد وجودش در حالیکه تمام نیروها و امکانش را در قربانی ساخته در آوی یک پیام "تطور می یابد و به گونه یک فریاد" تجلی میکند باز صحنه عاشورا تکرار میشود اما نه به دلایلی حسین و پادشاه در شمشیر آختن به روی لشکر بانوئهی حاکمیت فخرابطل باطل در جهان که خاک به لایحی خونی حوشش خوری "عاشورا" و دیگر شهیدان راه حق را در طول تاریخ در حرکت زمان خویش خلاصه ساخته تا

رئیس جمهور: سالمترین راه بدون بحران این است که همه موافقت بکنند به مردم مراجعه کنیم و بارای عمومی آنچه باید بشود، بشود

نحت پوشش ظاهری اعمالی دارد انجام میگیرد که ما نمیتوانیم نسبت به آنها لایقید بمانیم

به مردم میدهم و چون مردم من را طبق این قانون اساسی انتخاب کرده بودند، حالا این آقایان به دلخواه خودشان افتاده اند بجان قانون اساسی و هر روزی یک بازی سرش درمی آورند و وقتی که آن وظایف ریاست جمهوری و رئیس قوه مجریه غیرممکن شد طبیعتاً دیگر مردم نمیتوانند انتظاری از من داشته باشند غیر از اینکه من بصورت یک وجدان بیداری حقایق را به آنها بازگو کنم.

برخورد مردم در رابطه با اینطور مسائل چگونه باید باشد؟ مردم، اینجا، وطنشان است باید هشیار باشند بیدار باشند بپرسند و بخواهند که چرا اینطور واقع میشود چطور میشود که در مجلس چهار ساعت مجلسی سرسری اعلام کرد و یک وزیر یک حرفهایی در مورد گروگانها زد و این از مردم مخفی باشد چرا مخفی باشد؟ چه ربطی به امنیت کشور دارد؟ و این چه نوع رفتار است این چیزهایی است که مردم باید بپرسند و بدانند؟

من روز اول گفتم که باید این نهادها با هم هماهنگی داشته باشند. خوب، آنوقت باید حرف من شنیده میشد و کار به اینجا نمیکشید حالا هم هتداه میدهم باید شنیده بشود کار از این بدتر نشود.

مردم آیا نباید بدانند که در ارگانها و مجلس چه اتفاقی افتاده است؟ رئیس جمهور که در واقع طبق قانون اساسی رئیس قوه مجریه است او هم که نباید بداند! پس بنظر شما چه کسی باید بداند و مسئول این امور بشود؟

رئیس جمهور: این مسئله ای است که در جامعه که طرح شد و مردم پرسیدند بپوشان با چاق حقایق را به مردم خواهند گفت من آنچه که به خود مربوط است گفتم که مسئول تهیه تاریخ این قضیه هستم از ابتدا تا این مرحله هم چندین متن تهیه کرده ام اینها را بتدریج منتشر خواهم کرد. یکی از آنها همین مقایسه آنچه شده با قانونی است که تصویب شده و یکی هم منابع غیرامریکاییهایی که با استفاده از این موافقت نامه به اصطلاح خودشان طلبهایشان را از طریق بانکهای آمریکایی از ما وصول کردند که علاوه بر اطلاعاتی و زبانی است و متوان بعداً نمونه گفت که مثلا خانواده "داری" خساری که از ما مطالبه کرده از ۱۸۰ میلیون دلار و دختر "دکتر قلاح" ۲۸ میلیون دلار مطالبه کرده و مدت هم ندارد یعنی معلوم نیست تا چه زمانی این مطالبات را میتوانند از ما بخواهند و همینطور ادامه دارد.

این همان چیزهایی است که میخواهند روی آنها سربوش بگذارند و بقیه هم بهانه است واقع قضیه این است که میخواهند روی این حقایق سربوش بگذارند حقایق که دردناک است هم از جهت حیف و میل اموال مردم هم از جهت حیثیت ما و هم از جهت از بین رفتن حاکمیت کشور ما و اینها آن چیزهایی است که نمیتوانند مردم بدانند.

آنگاه که اطلاعات بدست آمده است، قرار دادی که با شرکت "تالوت" قرار بود به امضاء برسد و خودشان هم از آنجا کرده اند که ۱۰ درصدش تمام شده و ما هم در روزنامه متعسف کردیم، یک میلیارد پوند است و این برابر آن میزان پولی است که ما بقی پولهای مانده ایران در بانکهای انگلستان است و آیا این به آن معنا نیست که گویا انگلستان هم از این فرصت استفاده میکند؟

رئیس جمهور: حالا ما وارد این چیزها بشویم به این معنات است که بهرحال این واقعیت هست که این قراردادها بسته میشود آنهم بدون نظارتی، بدون قضایی، بدون کنسلی و اینکه من او را با این مقامی بکنم، که ما بیاییم به مردم بگوئیم که چه کرده ایم و چه واقع شده است. آنچه را که واقع شده است من نسبت به آن اعلام جرم کرده ام اگر یک طرف حق دارد برود چهار ساعت در مجلس بطور مخفی حرف بزند طرف دیگر هم حق دارد بگوید که واقعیت چه بوده است. واقعیتی که انجام گرفته واقعیت دردناکی بوده است. حالا ممکن است که یک کسی بگوید که ما چاره نداشتیم گروگانها بیخ ریش ما مانده بود و چاره نداشتیم. اگر آن کس من نبود که از آن نظر داشتم و گفتم چه باید کرد و این را میگفتم، خوب ممکن بود مردم از من بشنوند اما کسانی که خودشان کار را به آنجا کشاندند دیگر این حرف از آنها شنیده نمیشود. بهرحال هر چه هست حقیقت را باید به مردم گفت و این اصولی است که من فکر میکنم.

آقای رئیس جمهور با توجه به این مسائلهای که پیش آمد و شما بحث کردید، و موارد متعدد دیگری که قبلاً پیش آمده بود، به این نتیجه میرسیم که کشور در یک بن بست سیاسی - اجتماعی گرفتار است به این معنا که بین نهادهای مختلف هماهنگی نیست. حتی در درون یک نهاد مثل قوه مجریه هم هماهنگی است. یعنی رئیس قوه مجریه و دولت هماهنگی هم در هدفهایی که اتخاذ میکنند و هم روشها و برنامههایی که گرفته میکنند، دارند. بنابراین چون وضعیت کشور بحرانی و حساس و اوضاع جنگی است نمیتواند کشور را در این بحرانی نگه داشت تا یک وضعیت پیش بیاید که کسی نتواند کاری انجام بدهد، بنظر شما راه حل اساسی برای چنین وضعیتی چیست؟

از خود مردم خواسته بشود که همه موافقت کنند به مردم مراجعه کنیم و با رای عمومی آنچه باید بشود، بشود این بهترین شکل حل مسائل است.

آقای رجایی در مصاحبه خود با گپ گفتند که مسئله اداره کشور براساس یک هماهنگی عملی است و اگر بنا باشد که هیئت دولت ارگانی باشد که خودش را مستقل بداند این عملی نیست. چرا این اعتقاد درباره خود قوه مجریه عمل نمیشود و با رئیس قوه مجریه هماهنگ نیست؟

رئیس جمهور: این سؤالیهایی که شما میکنید از چراغهای مهمتری سرچشمه میکیند که از آن ریشه شروع کنیم. خوب، میبینیم که طبق قانون اساسی "تخت وزیر باید به پیشنهاد رئیس جمهور باشد لایحه من مخالف خودمان را پیشنهاد نخواهیم کرد و ایشان نخست وزیرند، ولی این وضعیت را ما بخاطر جنگ تحمل کردیم و قبول کردیم و چند وقت هم من این مطالب را گفتم یا به صراحت یا به کنایه، به خدمت امام هم نوشتم، ما در شرایطی میجنگیم که تمام لوازمی که باید در اختیار فرماندهی باشد بر ضد او عمل میکنند یا ابطال ما طبق همان چیزی که قرآن به ما آموخته بهانه نیآوریم تا حالا جنگ را اداره کردیم با وضعیت سختی که داشتیم. متأسفانه جنگ بهانه ای شده برای اینکه آقایان به روز آنچه را که میخواهند به آن لباس قانون بپوشانند و بداجرا بگذارند و رفتار بروف و ترس، ایجاد خوف و ترس، به خیال خودشان جوری کنند که مردم نتوانند هیچ وقت عکس العملی نشان بدهند. من در وضعیتی که هستم رساله اولم اینست که نیروی خارجی از کشور بیرون رانده بشود بعد وضع بگلی فرق خواهد کرد یعنی من آزادی عمل بیشتری پیدا خواهم کرد چون عنوان "ریاست جمهوری" مسئله ای نیست که از اول دنبال آن باشم، میخواستیم ما بنا بر این بر مردم است که این امکانات را در اختیار بگذارند و اگر در اختیار قرار نگرفت ما باید فکر دیگری بکنیم.

سؤال دیگر اینست که خود مردم را هم عملاً در یک سری محدودیتهایی قرار میدهند مثل بازداشتها یک سری قوانینی که شاید خود ساخته باشد در این رابطه به همان عدم ثبات سیاسی که اشاره شد برمیخوریم. میخواستیم این جنبه را شما بیشتر توضیح دهید.

رئیس جمهور: این حرف شما چند قسمت دارد یکی مسئله این بود که قرار بر مبارزه نبود، مبارزه معنایش این بود که آقایان این لوازمی را که در مجلس برده اند، نزنند (که این را عمل نکردند) و ما هم به کار جنگ مشغول باشیم. این یک قسمت دیگر مربوط است به اینکه آزادیهای عمومی را به خطر بیندازند.

خوب اینک آنحاصی را بابت شعار بگیرند و یک سال و سه سال و... بازداشت کنند، طبق کدام قانون است؟ مطابق کدام شرح است؟ شما الان ببینید که این باب خارج حیطه تحقیق این که مهادت با بیاد است و ما بگوئیم فریاد غربی "مادی" است ما که معنویت هستیم بابت ششبار

مردمند که باید راضی باشند اگر راضی نیستند ما حرفی نداریم اگر ناراضی نیستند که در این صورت من گمان نمیکند که مردمی که ناراضی هستند خودشان را در زمان رژیم سابق نشان دادند، حالا از این چیزها بترسند بالاخره یک روزی ناراضی خودشان را نشان خواهند داد.

با اعمال این روشها آن مسئله اولی که در نظر شماست یعنی خروج نیروهای خارجی از کشور، در مخاطره قرار نمیگیرد؟

رئیس جمهور: شما اگر نگاه کنید هر وقت ما یک موقعیتی را در جنگ بدست آوریم در پشت جبهه یک بازی سر ما در آورند. میروند در آنجا یک دروغهای عجیب غریبی به هم می یافند یا مینویسند. اگر آزادی باشد گفته میشود بدون فحش و قبیحیت و جواز به مردم گفته میشود مردم زود تضاروت میکنند راحت میشوند اما وقتی اینجور نشد میروند روی تحریک عصبی واهی دائم تعصیف.

بنده اینها هم از عوامل ضعف ما است و اگر اینها نبودند. حالا هم اگر دشمن مطمئن نباشد که این بازیها بالاخره ثبات رژیم ما را بخطر نخواهد انداخت باز گوش را کم میکند و بلند میشود و میروند. اما اینگونه کارها خود بخود ضربه پشت سر و ضربه برای ما است.

سؤال بعد در رابطه با نوار که برای غیر-عربی مجلس است که یکی از اعضای هیئت رئیسه مجلس گفته است که نوار جلسات غیرعربی را برای رئیس جمهوری نخواهند فرستاد و ظاهراً درخواست جلسه غیرعربی توسط وزیر مشاور بوده سؤالی که شخص ما یکی اینست که از طرف رئیس مجلس در رابطه با نفرستادن نوار آیا به شما نامه ای رسیده است؟

رئیس جمهوری: بله یک نامه ای رسیده که جوابش را دادم که آنهم لایحه میدهند روزنامه منتشر کنند. (متن نامه در این شماره چاپ شده است. انقلاب اسلامی)

مسئله دیگر اینست که شما که خودتان رئیس قوه مجریه هستید چگونه است که وزیر مشاور میتواند از جلسه غیرعربی را داشته باشد و شما اطلاع نداشته باشید.

رئیس جمهوری: در این جمهوری مثل اینست که همه این کارهایی که شده است فکر میشد شدنی نباید ولی معلوم شد که همه اینها شده است حالا امروز آقای رئیس مجلس به من دلالت کردند و راه نشان دادند که من میتوانم از وزیر مشاور بپرسم که حرفهایش را که در مجلس زده است برای من بفرستد.

البته مساله این است که قانون اساسی برای مجلس سری دلالتی را لازم دیده است و این مساله هم در افکار عمومی طرح شده است و من نسبت به او اعلام جرم کرده ام. اینها این حرفها را نمیتوانند بگویند. زیرا: میتوان با نهایت آرامش مطالب را آورد به این صورت که حرفهایی زده شده است و جوابهایی دارد، آنها طرح شود. در این میان مردم بالاخره به جوابهایی میرسند و این جنگ اعتصاب هم لازم نمیشود مساله اینجاست گفتنی ما کار را از حراج طبیعی خود خارج نمیکند؟

رئیس مجلس در پاسخ درخواست رئیس جمهور مبنی بر دریافت نوار مجلس غیرعربی برای خارج کردن اسناد سری مجلس و حتی در اختیار مقامی و فردی خارج از مجلس قرارداد آنها مجوزی بدست نیامد

جناب سید ابوالحسن بنی صدر، رئیس جمهور در پاسخ نامه شماره ۲۷۰۱ مورخ ۲۴/۲/۱۳۶۰ اعلام میدارم علاقمندم که بنوانم بخواستم جناب عالی در خصوص تحویل نوارهای مذاکرات جلسه سری مورخ ۲۲/۲/۶۰ مجلس شورای اسلامی جواب مثبت دهم ولی پس از بررسی و مشورت برای خارج کردن اسناد سری مجلس و حتی در اختیار مقامی و فردی خارج از مجلس قرارداد آنها مجوزی بدست نیامد.

رئیس جمهور: نه تنها اینجانب بلکه همه آحاد ملت ایران باید بدانند مسؤولین چه بر سر اموال و استقلال آنها آورده اند

همچون امینی پارسا و فداکار نگاهدار باشد و آنرا به منتخب ملت پس از خود بسپارد. اموری مربوط به امنیت کشور را در اختیار بگذاشتند و گرفتارند و مسؤولین این امر چه کسانی هستند و برای عمل خود چه توجیهی دارند.

نست به مسائلی باین اهمیت، دور از چشم و تفاوت مردم سخن بگویند حق مردم است که بدانند چگونه سرمایه های آنها در اختیار بگذاشتند و گرفتارند و مسؤولین این امر چه کسانی هستند و برای عمل خود چه توجیهی دارند.

همچون امینی پارسا و فداکار نگاهدار باشد و آنرا به منتخب ملت پس از خود بسپارد. اموری مربوط به امنیت کشور را در اختیار بگذاشتند و گرفتارند و مسؤولین این امر چه کسانی هستند و برای عمل خود چه توجیهی دارند.

همچون امینی پارسا و فداکار نگاهدار باشد و آنرا به منتخب ملت پس از خود بسپارد. اموری مربوط به امنیت کشور را در اختیار بگذاشتند و گرفتارند و مسؤولین این امر چه کسانی هستند و برای عمل خود چه توجیهی دارند.

همچون امینی پارسا و فداکار نگاهدار باشد و آنرا به منتخب ملت پس از خود بسپارد. اموری مربوط به امنیت کشور را در اختیار بگذاشتند و گرفتارند و مسؤولین این امر چه کسانی هستند و برای عمل خود چه توجیهی دارند.

همچون امینی پارسا و فداکار نگاهدار باشد و آنرا به منتخب ملت پس از خود بسپارد. اموری مربوط به امنیت کشور را در اختیار بگذاشتند و گرفتارند و مسؤولین این امر چه کسانی هستند و برای عمل خود چه توجیهی دارند.

همچون امینی پارسا و فداکار نگاهدار باشد و آنرا به منتخب ملت پس از خود بسپارد. اموری مربوط به امنیت کشور را در اختیار بگذاشتند و گرفتارند و مسؤولین این امر چه کسانی هستند و برای عمل خود چه توجیهی دارند.

همچون امینی پارسا و فداکار نگاهدار باشد و آنرا به منتخب ملت پس از خود بسپارد. اموری مربوط به امنیت کشور را در اختیار بگذاشتند و گرفتارند و مسؤولین این امر چه کسانی هستند و برای عمل خود چه توجیهی دارند.

همچون امینی پارسا و فداکار نگاهدار باشد و آنرا به منتخب ملت پس از خود بسپارد. اموری مربوط به امنیت کشور را در اختیار بگذاشتند و گرفتارند و مسؤولین این امر چه کسانی هستند و برای عمل خود چه توجیهی دارند.

همچون امینی پارسا و فداکار نگاهدار باشد و آنرا به منتخب ملت پس از خود بسپارد. اموری مربوط به امنیت کشور را در اختیار بگذاشتند و گرفتارند و مسؤولین این امر چه کسانی هستند و برای عمل خود چه توجیهی دارند.

همچون امینی پارسا و فداکار نگاهدار باشد و آنرا به منتخب ملت پس از خود بسپارد. اموری مربوط به امنیت کشور را در اختیار بگذاشتند و گرفتارند و مسؤولین این امر چه کسانی هستند و برای عمل خود چه توجیهی دارند.

همچون امینی پارسا و فداکار نگاهدار باشد و آنرا به منتخب ملت پس از خود بسپارد. اموری مربوط به امنیت کشور را در اختیار بگذاشتند و گرفتارند و مسؤولین این امر چه کسانی هستند و برای عمل خود چه توجیهی دارند.

همچون امینی پارسا و فداکار نگاهدار باشد و آنرا به منتخب ملت پس از خود بسپارد. اموری مربوط به امنیت کشور را در اختیار بگذاشتند و گرفتارند و مسؤولین این امر چه کسانی هستند و برای عمل خود چه توجیهی دارند.

همچون امینی پارسا و فداکار نگاهدار باشد و آنرا به منتخب ملت پس از خود بسپارد. اموری مربوط به امنیت کشور را در اختیار بگذاشتند و گرفتارند و مسؤولین این امر چه کسانی هستند و برای عمل خود چه توجیهی دارند.

همچون امینی پارسا و فداکار نگاهدار باشد و آنرا به منتخب ملت پس از خود بسپارد. اموری مربوط به امنیت کشور را در اختیار بگذاشتند و گرفتارند و مسؤولین این امر چه کسانی هستند و برای عمل خود چه توجیهی دارند.

همچون امینی پارسا و فداکار نگاهدار باشد و آنرا به منتخب ملت پس از خود بسپارد. اموری مربوط به امنیت کشور را در اختیار بگذاشتند و گرفتارند و مسؤولین این امر چه کسانی هستند و برای عمل خود چه توجیهی دارند.

همچون امینی پارسا و فداکار نگاهدار باشد و آنرا به منتخب ملت پس از خود بسپارد. اموری مربوط به امنیت کشور را در اختیار بگذاشتند و گرفتارند و مسؤولین این امر چه کسانی هستند و برای عمل خود چه توجیهی دارند.

همچون امینی پارسا و فداکار نگاهدار باشد و آنرا به منتخب ملت پس از خود بسپارد. اموری مربوط به امنیت کشور را در اختیار بگذاشتند و گرفتارند و مسؤولین این امر چه کسانی هستند و برای عمل خود چه توجیهی دارند.

همچون امینی پارسا و فداکار نگاهدار باشد و آنرا به منتخب ملت پس از خود بسپارد. اموری مربوط به امنیت کشور را در اختیار بگذاشتند و گرفتارند و مسؤولین این امر چه کسانی هستند و برای عمل خود چه توجیهی دارند.

همچون امینی پارسا و فداکار نگاهدار باشد و آنرا به منتخب ملت پس از خود بسپارد. اموری مربوط به امنیت کشور را در اختیار بگذاشتند و گرفتارند و مسؤولین این امر چه کسانی هستند و برای عمل خود چه توجیهی دارند.

همچون امینی پارسا و فداکار نگاهدار باشد و آنرا به منتخب ملت پس از خود بسپارد. اموری مربوط به امنیت کشور را در اختیار بگذاشتند و گرفتارند و مسؤولین این امر چه کسانی هستند و برای عمل خود چه توجیهی دارند.

همچون امینی پارسا و فداکار نگاهدار باشد و آنرا به منتخب ملت پس از خود بسپارد. اموری مربوط به امنیت کشور را در اختیار بگذاشتند و گرفتارند و مسؤولین این امر چه کسانی هستند و برای عمل خود چه توجیهی دارند.

همچون امینی پارسا و فداکار نگاهدار باشد و آنرا به منتخب ملت پس از خود بسپارد. اموری مربوط به امنیت کشور را در اختیار بگذاشتند و گرفتارند و مسؤولین این امر چه کسانی هستند و برای عمل خود چه توجیهی دارند.

همچون امینی پارسا و فداکار نگاهدار باشد و آنرا به منتخب ملت پس از خود بسپارد. اموری مربوط به امنیت کشور را در اختیار بگذاشتند و گرفتارند و مسؤولین این امر چه کسانی هستند و برای عمل خود چه توجیهی دارند.

همچون امینی پارسا و فداکار نگاهدار باشد و آنرا به منتخب ملت پس از خود بسپارد. اموری مربوط به امنیت کشور را در اختیار بگذاشتند و گرفتارند و مسؤولین این امر چه کسانی هستند و برای عمل خود چه توجیهی دارند.

همچون امینی پارسا و فداکار نگاهدار باشد و آنرا به منتخب ملت پس از خود بسپارد. اموری مربوط به امنیت کشور را در اختیار بگذاشتند و گرفتارند و مسؤولین این امر چه کسانی هستند و برای عمل خود چه توجیهی دارند.

همچون امینی پارسا و فداکار نگاهدار باشد و آنرا به منتخب ملت پس از خود بسپارد. اموری مربوط به امنیت کشور را در اختیار بگذاشتند و گرفتارند و مسؤولین این امر چه کسانی هستند و برای عمل خود چه توجیهی دارند.

همچون امینی پارسا و فداکار نگاهدار باشد و آنرا به منتخب ملت پس از خود بسپارد. اموری مربوط به امنیت کشور را در اختیار بگذاشتند و گرفتارند و مسؤولین این امر چه کسانی هستند و برای عمل خود چه توجیهی دارند.

همچون امینی پارسا و فداکار نگاهدار باشد و آنرا به منتخب ملت پس از خود بسپارد. اموری مربوط به امنیت کشور را در اختیار بگذاشتند و گرفتارند و مسؤولین این امر چه کسانی هستند و برای عمل خود چه توجیهی دارند.

همچون امینی پارسا و فداکار نگاهدار باشد و آنرا به منتخب ملت پس از خود بسپارد. اموری مربوط به امنیت کشور را در اختیار بگذاشتند و گرفتارند و مسؤولین این امر چه کسانی هستند و برای عمل خود چه توجیهی دارند.

همچون امینی پارسا و فداکار نگاهدار باشد و آنرا به منتخب ملت پس از خود بسپارد. اموری مربوط به امنیت کشور را در اختیار بگذاشتند و گرفتارند و مسؤولین این امر چه کسانی هستند و برای عمل خود چه توجیهی دارند.

همچون امینی پارسا و فداکار نگاهدار باشد و آنرا به منتخب ملت پس از خود بسپارد. اموری مربوط به امنیت کشور را در اختیار بگذاشتند و گرفتارند و مسؤولین این امر چه کسانی هستند و برای عمل خود چه توجیهی دارند.

همچون امینی پارسا و فداکار نگاهدار باشد و آنرا به منتخب ملت پس از خود بسپارد. اموری مربوط به امنیت کشور را در اختیار بگذاشتند و گرفتارند و مسؤولین این امر چه کسانی هستند و برای عمل خود چه توجیهی دارند.

همچون امینی پارسا و فداکار نگاهدار باشد و آنرا به منتخب ملت پس از خود بسپارد. اموری مربوط به امنیت کشور را در اختیار بگذاشتند و گرفتارند و مسؤولین این امر چه کسانی هستند و برای عمل خود چه توجیهی دارند.

همچون امینی پارسا و فداکار نگاهدار باشد و آنرا به منتخب ملت پس از خود بسپارد. اموری مربوط به امنیت کشور را در اختیار بگذاشتند و گرفتارند و مسؤولین این امر چه کسانی هستند و برای عمل خود چه توجیهی دارند.

همچون امینی پارسا و فداکار نگاهدار باشد و آنرا به منتخب ملت پس از خود بسپارد. اموری مربوط به امنیت کشور را در اختیار بگذاشتند و گرفتارند و مسؤولین این امر چه کسانی هستند و برای عمل خود چه توجیهی دارند.

همچون امینی پارسا و فداکار نگاهدار باشد و آنرا به منتخب ملت پس از خود بسپارد. اموری مربوط به امنیت کشور را در اختیار بگذاشتند و گرفتارند و مسؤولین این امر چه کسانی هستند و برای عمل خود چه توجیهی دارند.

همچون امینی پارسا و فداکار نگاهدار باشد و آنرا به منتخب ملت پس از خود بسپارد. اموری مربوط به امنیت کشور را در اختیار بگذاشتند و گرفتارند و مسؤولین این امر چه کسانی هستند و برای عمل خود چه توجیهی دارند.

همچون امینی پارسا و فداکار نگاهدار باشد و آنرا به منتخب ملت پس از خود بسپارد. اموری مربوط به امنیت کشور را در اختیار بگذاشتند و گرفتارند و مسؤولین این امر چه کسانی هستند و برای عمل خود چه توجیهی دارند.

همچون امینی پارسا و فداکار نگاهدار باشد و آنرا به منتخب ملت پس از خود بسپارد. اموری مربوط به امنیت کشور را در اختیار بگذاشتند و گرفتارند و مسؤولین این امر چه کسانی هستند و برای عمل خود چه توجیهی دارند.

همچون امینی پارسا و فداکار نگاهدار باشد و آنرا به منتخب ملت پس از خود بسپارد. اموری مربوط به امنیت کشور را در اختیار بگذاشتند و گرفتارند و مسؤولین این امر چه کسانی هستند و برای عمل خود چه توجیهی دارند.

همچون امینی پارسا و فداکار نگاهدار باشد و آنرا به منتخب ملت پس از خود بسپارد. اموری مربوط به امنیت کشور را در اختیار بگذاشتند و گرفتارند و مسؤولین این امر چه کسانی هستند و برای عمل خود چه توجیهی دارند.

همچون امینی پارسا و فداکار نگاهدار باشد و آنرا به منتخب ملت پس از خود بسپارد. اموری مربوط به امنیت کشور را در اختیار بگذاشتند و گرفتارند و مسؤولین این امر چه کسانی هستند و برای عمل خود چه توجیهی دارند.

همچون امینی پارسا و فداکار نگاهدار باشد و آنرا به منتخب ملت پس از خود بسپارد. اموری مربوط به امنیت کشور را در اختیار بگذاشتند و گرفتارند و مسؤولین این امر چه کسانی هستند و برای عمل خود چه توجیهی دارند.

همچون امینی پارسا و فداکار نگاهدار باشد و آنرا به منتخب ملت پس از خود بسپارد. اموری مربوط به امنیت کشور را در اختیار بگذاشتند و گرفتارند و مسؤولین این امر چه کسانی هستند و برای عمل خود چه توجیهی دارند.

همچون امینی پارسا و فداکار نگاهدار باشد و آنرا به منتخب ملت پس از خود بسپارد. اموری مربوط به امنیت کشور را در اختیار بگذاشتند و گرفتارند و مسؤولین این امر چه کسانی هستند و برای عمل خود چه توجیهی دارند.

همچون امینی پارسا و فداکار نگاهدار باشد و آنرا به منتخب ملت پس از خود بسپارد. اموری مربوط به امنیت کشور را در اختیار بگذاشتند و گرفتارند و مسؤولین این امر چه کسانی هستند و برای عمل خود چه توجیهی دارند.

همچون امینی پارسا و فداکار نگاهدار باشد و آنرا به منتخب ملت پس از خود بسپارد. اموری مربوط به امنیت کشور را در اختیار بگذاشتند و گرفتارند و مسؤولین این امر چه کسانی هستند و برای عمل خود چه توجیهی دارند.

همچون امینی پارسا و فداکار نگاهدار باشد و آنرا به منتخب ملت پس از خود بسپارد. اموری مربوط به امنیت کشور را در اختیار بگذاشتند و گرفتارند و مسؤولین این امر چه کسانی هستند و برای عمل خود چه توجیهی دارند.

همچون امینی پارسا و فداکار نگاهدار باشد و آنرا به منتخب ملت پس از خود بسپارد. اموری مربوط به امنیت کشور را در اختیار بگذاشتند و گرفتارند و مسؤولین این امر چه کسانی هستند و برای عمل خود چه توجیهی دارند.

همچون امینی پارسا و فداکار نگاهدار باشد و آنرا به منتخب ملت پس از خود بسپارد. اموری مربوط به امنیت کشور را در اختیار بگذاشتند و گرفتارند و مسؤولین این امر چه کسانی هستند و برای عمل خود چه توجیهی دارند.

همچون امینی پارسا و فداکار نگاهدار باشد و آنرا به منتخب ملت پس از خود بسپارد. اموری مربوط به امنیت کشور را در اختیار بگذاشتند و گرفتارند و مسؤولین این امر چه کسانی هستند و برای عمل خود چه توجیهی دارند.

همچون امینی پارسا و فداکار نگاهدار باشد و آنرا به منتخب ملت پس از خود بسپارد. اموری مربوط به امنیت کشور را در اختیار بگذاشتند و گرفتارند و مسؤولین این امر چه کسانی هستند و برای عمل خود چه توجیهی دارند.

همچون امینی پارسا و فداکار نگاهدار باشد و آنرا به منتخب ملت پس از خود بسپارد. اموری مربوط به امنیت کشور را در اختیار بگذاشتند و گرفتارند و مسؤولین این امر چه کسانی هستند و برای عمل خود چه توجیهی دارند.

همچون امینی پارسا و فداکار نگاهدار باشد و آنرا به منتخب ملت پس از خود بسپارد. اموری مربوط به امنیت کشور را در اختیار بگذاشتند و گرفتارند و مسؤولین این امر چه کسانی هستند و برای عمل خود چه توجیهی دارند.

همچون امینی پارسا و فداکار نگاهدار باشد و آنرا به منتخب ملت پس از خود بسپارد. اموری مربوط به امنیت کشور را در اختیار بگذاشتند و گرفتارند و مسؤولین این امر چه کسانی هستند و برای عمل خود چه توجیهی دارند.

همچون امینی پارسا و فداکار نگاهدار باشد و آنرا به منتخب ملت پس از خود بسپارد. اموری مربوط به امنیت کشور را در اختیار بگذاشتند و گرفتارند و مسؤولین این امر چه کسانی هستند و برای عمل خود چه توجیهی دارند.

همچون امینی پارسا و فداکار نگاهدار باشد و آنرا به منتخب ملت پس از خود بسپارد. اموری مربوط به امنیت کشور را در اختیار بگذاشتند و گرفتارند و مسؤولین این امر چه کسانی هستند و برای عمل خود چه توجیهی دارند.

همچون امینی پارسا و فداکار نگاهدار باشد و آنرا به منتخب ملت پس از خود بسپارد. اموری مربوط به امنیت کشور را در اختیار بگذاشتند و گرفتارند و مسؤولین این امر چه کسانی هستند و برای عمل خود چه توجیهی دارند.

همچون امینی پارسا و فداکار نگاهدار باشد و آنرا به منتخب ملت پس از خود بسپارد. اموری مربوط به امنیت کشور را در اختیار بگذاشتند و گرفتارند و مسؤولین این امر چه کسانی هستند و برای عمل خود چه توجیهی دارند.

همچون امینی پارسا و فداکار نگاهدار باشد و آنرا به منتخب ملت پس از خود بسپارد. اموری مربوط به امنیت کشور را در اختیار بگذاشتند و گرفتارند و مسؤولین این امر چه کسانی هستند و برای عمل خود چه توجیهی دارند.

همچون امینی پارسا و فداکار نگاهدار باشد و آنرا به منتخب ملت پس از خود بسپارد. اموری مربوط به امنیت کشور را در اختیار بگذاشتند و گرفتارند و مسؤولین این امر چه کسانی هستند و برای عمل خود چه توجیهی دارند.

همچون امینی پارسا و فداکار نگاهدار باشد و آنرا به منتخب ملت پس از خود بسپارد. اموری مربوط به امنیت کشور را در اختیار بگذاشتند و گرفتارند و مسؤولین این امر چه کسانی هستند و برای عمل خود چه توجیهی دارند.

همچون امینی پارسا و فداکار نگاهدار باشد و آنرا به منتخب ملت پس از خود بسپارد. اموری مربوط به امنیت کشور را در اختیار بگذاشتند و گرفتارند و مسؤولین این امر چه کسانی هستند و برای عمل خود چه توجیهی دارند.

همچون امینی پارسا و فداکار نگاهدار باشد و آنرا به منتخب ملت پس از خود بسپارد. اموری مربوط به امنیت کشور را در اختیار بگذاشتند و گرفتارند و مسؤولین این امر چه کسانی هستند و برای عمل خود چه توجیهی دارند.

همچون امینی پارسا و فداکار نگاهدار باشد و آنرا به منتخب ملت پس از خود بسپارد. اموری مربوط به امنیت کشور را در اختیار بگذاشتند و گرفتارند و مسؤولین این امر چه کسانی هستند و برای عمل خود چه توجیهی دارند.

همچون امینی پارسا و فداکار نگاهدار باشد و آنرا به منتخب ملت پس از خود بسپارد. اموری مربوط به امنیت کشور را در اختیار بگذاشتند و گرفتارند و مسؤولین این امر چه کسانی هستند و برای عمل خود چه توجیهی دارند.

همچون امینی پارسا و فداکار نگاهدار باشد و آنرا به منتخب ملت پس از خود بسپارد. اموری مربوط به امنیت کشور را در اختیار بگذاشتند و گرفتارند و مسؤولین این امر چه کسانی هستند و برای عمل خود چه توجیهی دارند.

همچون امینی پارسا و فداکار نگاهدار باشد و آنرا به منتخب ملت پس از خود بسپارد. اموری مربوط به امنیت کشور را در اختیار بگذاشتند و گرفتارند و مسؤولین این امر چه کسانی هستند و برای عمل خود چه توجیهی دارند.

همچون امینی پارسا و فداکار نگاهدار باشد و آنرا به منتخب ملت پس از خود بسپارد. اموری مربوط به امنیت کشور را در اختیار بگذاشتند و گرفتارند و مسؤولین این امر چه کسانی هستند و برای عمل خود چه توجیهی دارند.

همچون امینی پارسا و فداکار نگاهدار باشد و آنرا به منتخب ملت پس از خود بسپارد. اموری مربوط به امنیت کشور را در اختیار بگذاشتند و گرفتارند و مسؤولین این امر چه کسانی هستند و برای عمل خود چه توجیهی دارند.

همچون امینی پارسا و فداکار نگاهدار باشد و آنرا به منتخب ملت پس از خود بسپارد. اموری مربوط به امنیت کشور را در اختیار بگذاشتند و گرفتارند و مسؤولین این امر چه کسانی هستند و برای عمل خود چه توجیهی دارند.

همچون امینی پارسا و فداکار نگاهدار باشد و آنرا به منتخب ملت پس از خود بسپارد. اموری مربوط به امنیت کشور را در اختیار بگذاشتند و گرفتارند و مسؤولین این امر چه کسانی هستند و برای عمل خود چه توجیهی دارند.

همچون امینی پارسا و فداکار نگاهدار باشد و آنرا به منتخب ملت پس از خود بسپارد. اموری مربوط به امنیت کشور را در اختیار بگذاشتند و گرفتارند و مسؤولین این امر چه کسانی هستند و برای عمل خود چه توجیهی دارند.

همچون امینی پارسا و فداکار نگاهدار باشد و آنرا به منتخب ملت پس از خود بسپارد. اموری مربوط به امنیت کشور را در اختیار بگذاشتند و گرفتارند و مسؤولین این امر چه کسانی هستند و برای عمل خود چه توجیهی دارند.

همچون امینی پارسا و فداکار نگاهدار باشد و آنرا به منتخب ملت پس از خود بسپارد. اموری مربوط به امنیت کشور را در اختیار بگذاشتند و گرفتارند و مسؤولین این امر چه کسانی هستند و برای عمل خود چه توجیهی دارند.

همچون امینی پارسا و فداکار نگاهدار باشد و آنرا به منتخب ملت پس از خود بسپارد. اموری مربوط به امنیت کشور را در اختیار بگذاشتند و گرفتارند و مسؤولین این امر چه کسانی هستند و برای عمل خود چه توجیهی دارند.